



MHJ

مجله تاریخ پزشکی

دوره سیزدهم، شماره چهل و ششم، سال ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://journals.sbm.ac.ir/mh>



مقاله پژوهشی

پزشکان یهودی همدان و نقش آنان در توسعه پزشکی این شهر (از اواخر قاجاریه تا پایان دوره پهلوی)

رضا کرمی^۱

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه صنعتی همدان، همدان، ایران

چکیده

زمینه و هدف: حرفه پزشکی در همدان از دیرباز عمدتاً در قبضه یهودیان بوده است و آنان بودند که در این علم به تبحر دست یافته و توانستند در کنار مسلمین نقش ویژه‌ای را در عرصه پزشکی این شهر ایفا کنند. با توجه به محدودیت‌های اقلیت‌های مذهبی در جامعه اسلامی، به نظر می‌رسد روی آوری یهودیان به حرفه پزشکی راه‌حلی برای برون‌رفت از شرایط موجود و ارتقای جایگاه آنان با هدف رفع نیاز جامعه اسلامی و عاملی برای کسب درآمد بوده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی علل اقبال یهودیان همدان به حرفه پزشکی و نقش آنان در توسعه پزشکی این دیار از اواخر قاجار تا پایان دوران پهلوی به فرجام رسیده است. با عنایت به اینکه تاکنون در این زمینه تحقیق مستقلی صورت نگرفته پژوهش حاضر می‌تواند راهگشای محققین تاریخ پزشکی در پاسخ به مجهولات ذهنی در این باب باشد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با نگرشی تاریخی و به یاری منابع کتابخانه‌ای و تاریخ شفاهی؛ سعی بر این دارد تا با روش توصیفی - تحلیلی دلایل روی آوری یهودیان همدان به حرفه پزشکی و نقش آنان در توسعه اوضاع پزشکی این شهر را بیان کند. این مطالعه مقطعی، اواخر حکومت قاجاریه تا پایان حکمرانی دودمان پهلوی دوم در همدان را شامل می‌گردد. از ویژگی‌های این مقاله استناد به مصاحبه شفاهی با افراد آگاه در این زمینه است.

یافته‌ها: بررسی‌ها نشان می‌دهد دانش پزشکی در میان یهودیان به ویژه یهودیان همدان از جایگاه والایی برخوردار بوده است، به گونه‌ای که آنان از گذشته‌های دور در محلی به نام درب حکیمخانه به این پیشه اشتغال داشته و آن را به نسل‌های بعدی نیز انتقال داده‌اند.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حکایت از آن دارد که سفارشات تورات مبنی بر حفظ سلامت بدن در انتخاب حرفه پزشکی توسط یهودیان همدان بی‌تأثیر نبوده است. آنان به فراخور همزیستی با مسلمانان، با انتخاب پیشه پزشکی درصدد در امان ماندن از هرگونه گزند و ارتقای جایگاه اجتماعی خود در بین مسلمین بوده‌اند. یهودیان همدان با تأسیس مدرسه آلیانس و درمانگاه مجاور آن گام بلندی در بهبود اوضاع پزشکی زمانه خود در همدان برداشته‌اند. آنان در واقع واسطه‌ای برای گذار از شیوه سنتی طب به پزشکی مدرن و پایه‌گذار شیوه نوین پزشکی در همدان بوده‌اند چرا که نخستین تحصیل‌کنندگان آکادمیک در عرصه پزشکی همدان اغلب یهودیان بوده‌اند.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۱۱

تاریخ انتشار: ۹۹/۱۱/۲۳

واژگان کلیدی:

تاریخ پزشکی

پزشکان یهودی

یهودیان

همدان

قاجاریه

پهلوی

* نویسنده مسؤول: رضا کرمی

آدرس پستی: دانشگاه صنعتی همدان،

همدان، ایران

پست الکترونیک:

r.karami6969@gmail.com

۱. مقدمه

در دوران قاجاریه اقلیت‌های مذهبی به ویژه یهودیان، نه تنها در همدان، بلکه در دیگر نقاط ایران از آزادی قابل توجهی برخوردار نبودند و همواره محدودیت‌هایی را برای زیستن در جامعه اسلامی داشته است. در آن زمان یهودیان همدان پرجمعیت‌ترین اقلیت مذهبی این شهر را شامل می‌شدند که برای خود دارای راسته بازار جداگانه به نام راسته یهودی‌ها و مدرسه و فرهنگ مجزا از مسلمانان داشتند که این امر به دلیل وجود دومین زیارتگاه مقدس آنان (پس از بیت‌المقدس) یعنی مقبره استر و مردخای می‌باشد. پیش از تأسیس دانشگاه پزشکی و ورود طب نوین به ایران، این حکیمان یهودی بودند که عمدتاً در کنار مسلمانان در امور درمانی شهروندان همدانی مبادرت می‌نمودند. آنها یا مطب رسمی داشتند یا در منزل به معاینه و معالجه بیماران می‌پرداختند و یا به صورت دوره گرد در کوچه‌ها و بازارها به این کار اشتغال داشتند و طب و طبابت را به صورت موروثی از پدران خود آموخته بودند (۱). دکتر حبیب لوی در کتاب تاریخ یهود ایران می‌نویسد: برخی از یهودیان همدان به وسیله کتاب‌های ابن سینا که در همدان مدفون است، مشغول به فراگیری طب و طبابت می‌باشند. وی همچنین در قسمتی دیگر از کتاب خود همدان را پس از خوانسار و گلپایگان از مهم‌ترین مراکز پزشکی ایران می‌داند که کلیه اطباء یهودی ایران دانش آموختگان این مراکز بوده‌اند (۲).

یهودیان همدان، در دوران پهلوی در عرصه پزشکی نقش چشمگیرتری داشتند. با طلوع دولت مدرن در ایران و از بین رفتن محدودیت‌های اجتماعی اقلیت‌های مذهبی، یهودیان نیز با احساس تعهد به مشارکت در ایجاد زیرساخت‌های بهداشتی کشور وارد شدند. در این میان توجه به رفع معضلات بهداشتی و درمانی و آموزشی خود جوامع اقلیت موجب بسیج امکانات سرمایه‌داران آنها برای ایجاد مراکز عام‌المنفعه و خیریه شد. این مراکز گذشته از آنکه نیاز جوامع اقلیت را مرتفع می‌ساخت، درهای خود را به روی سایر مذاهب نیز می‌گشود.

مسئله‌ای که این تحقیق به دنبال حل آن است و تا پیش از این به صورت مستقل بدان پرداخته نشده و در واقع به سان حلقه مفقوده‌ای در تحقیقات تاریخ پزشکی و تاریخ محلی معاصر همدان می‌باشد، بررسی جایگاه اقلیت‌های مذهبی به ویژه یهودیان در حوزه پزشکی این شهر است که تاکنون از قلم محققین به دور مانده و کمتر بدان توجه گردیده است. در سده اخیر یهودیان در کنار مسلمانان و دیگر اقلیت‌های مذهبی نقشی غیر قابل چشم‌پوشی در عرصه طب و طبابت همدان داشته‌اند و به منزله پلی بوده‌اند جهت انتقال طب سنتی به پزشکی نوین که تلاش‌هایشان در این زمینه خود گویای این مدعا است.

بنابراین، پژوهش حاضر می‌کوشد تا به یاری منابع کتابخانه‌ای و مصاحبات شفاهی و با رویکردی تاریخی به شیوه توصیفی - تحلیلی، با اشاره‌ای بر پیشینه حضور یهودیان در همدان و نگاهی به وضعیت پزشکی این دیار در اواخر دوران قاجار و پهلوی، در صدد پاسخگویی به این سؤال می‌باشد که دلیل عمده گرایش جامعه یهودیان همدان به طب و طبابت و نقش آنان در توسعه و پیشرفت پزشکی این شهر چه بوده است. این نوشتار همچنین سعی نموده با بررسی اجمالی جایگاه یهودیان در عرصه پزشکی همدان، به طور خاص، فعالیت‌های پزشکی آنها از مشروطه تا پایان پهلوی، و تأثیر این حرفه بر جایگاه را مورد بررسی قرار دهد.

۱-۱. سابقه تحقیق

پژوهش‌هایی هرچند محدود درخصوص یهودیان همدان و حضور آنان در این شهر انجام شده که از آن جمله می‌توان به «تاریخ یهود ایران» اثر دکتر حبیب لوی که فصولی را به زندگی و مشاغل یهودیان همدان اختصاص داده، کتاب «همدان نامه» اثر دکتر پرویز اذکائی در قسمت‌هایی به پیشینه حضور یهودیان در همدان پرداخته است. هومن سرشار در کتاب «فرزندان استر» فرهنگ و آداب و رسوم و معیشت یهودیان در دوره‌های مختلف تاریخ در همدان را مورد بررسی قرار داده است. افزون بر این می‌توان به مقالاتی همچون

پزشکی همدان و همچنین تاریخچه مراکز پزشکی این شهر و اقدامات بهداشتی درمانی انجام شده در استان همدان ارائه می‌دهد و در فصل چهارم خود به اقلیت‌های مذهبی در استان همدان پرداخته است.

به رغم سابقه طولانی سکونت یهودیان در همدان منابعی که بتواند اطلاعات مفید و موثقی در مورد موضوع مورد پژوهش بدهد بسیار محدود و انگشت‌شمارند. بنابراین تحقیق پیش رو اولین پژوهش تخصصی در زمینه بررسی جایگاه یهودیان همدان در عرصه پزشکی این دیار می‌باشد که تا پیش از این به انجام نرسیده است و اهمیت آن بدان جهت می‌باشد که تاکنون تحقیق مستقلی با موضوع پزشکان یهودی همدان و واکاوی نقش آنان در توسعه پزشکی این شهر انجام نشده و این نوشتار می‌تواند راهگشای محققین تاریخ پزشکی در این زمینه باشد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در ارجاع به متون و منابع؛ صداقت و امانتداری، و در استناد به مصاحبات تاریخ شفاهی با افراد؛ پرهیز از هرگونه جانبداری در دستور کار این پژوهش قرار داده شده است.

۳. مواد و روش‌ها

این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای و با توصیف و تحلیل داده‌ها و تکیه بر تاریخ شفاهی گردآوری شده به بررسی علل انتخاب حرفه پزشکی توسط یهودیان همدان و نقش آنان در توسعه و بهبود اوضاع پزشکی این شهر می‌پردازد. منابع به کار رفته در این پژوهش به دو گروه تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

۳-۱. گروه اول

کتب تاریخی، خاطرات و سفرنامه‌ها می‌باشند که از این بین می‌توان به تاریخ طب و طبابت در ایران از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه اثر محسن روستایی، کتاب‌های همدان‌نامه و فهرست ماقبل‌الفهرست اثر دکتر پرویز اذکائی، فرزندان استر نوشته هومن سرشار، تاریخ یهود ایران به قلم دکتر حبیب لوی (دندانپزشک مخصوص رضاشاه) و همچنین مقالاتی از بیژن

«کلیمیان همدان» به قلم بیژن آصف اشاره نموده که در نشریه افق بینا در سال (۱۳۸۰) به چاپ رسیده و جنبه‌های مختلف زندگی یهودیان همدان را مورد بررسی داده و ضمن اشاره به مشاغل مهم یهودیان همدان، در پایان صرفاً اسامی چند تن از پزشکان یهودی و مشهور همدان را برشمرده است. دکتر مهرداد نغزگوی کهن عضو هیئت علمی گروه زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینای همدان نیز در مقاله «فرهنگ و زبان یهودیان همدان» فرهنگ و زبان آنان را مورد بررسی قرار داده است. حبیب شرفی صفا در مقاله «فعالیت‌ها و جایگاه اجتماعی یهودیان همدان در دوره قاجاریه» به ابعاد مختلف معیشت و زندگی اجتماعی آنان پرداخته و دکتر عباس زارعی مهرورز به همراه لیلا شریفی در مقاله مشترکشان تحت عنوان «بررسی تاریخی فعالیت‌های اقتصادی یهودیان همدان در روزگار قاجار» فعالیت‌های گوناگون اقتصادی یهودیان همدان و برخی مشاغل تحت انحصار آنان را مورد مذاقه قرار داده‌اند که در فصلنامه پژوهش‌های تاریخ محلی (۱۳۹۳) منتشر شده است.

با این همه، منابع بالا بیشتر به آداب و رسوم و وضعیت معیشتی یهودیان در همدان پرداخته‌اند و با توجه به اینکه موضوع هیچ‌یک از آنها به صورت تخصصی راجع به پزشکی نبوده است، بنابراین اطلاعات درخور توجهی را در زمینه طب و طبابت یهودیان این شهر ارائه نمی‌دهند. تحقیقاتی هم که در زمینه تاریخ پزشکی همدان منتشر شده‌اند نیز اگرچه در محدوده کار خود حائز اهمیت هستند اما درباره فعالیت‌های پزشکی یهودیان اطلاعات مهمی به دست نمی‌دهند. از آن جمله می‌توان به کتاب «مکتب سده؛ تاریخ طب و طبابت در همدان» به قلم حیدری، بشیریان، رفیعی چاپ سال ۱۳۹۵ اشاره نمود.

تنها کتابی که یک فصل از فصول خود را به فعالیت و اقدامات یهودیان این شهر در عرصه پزشکی اختصاص داده است کتاب «بررسی تاریخی اوضاع پزشکی و پزشکان استان همدان در دوره پهلوی دوم» نوشته حیدری، کرمی، صوفی می‌باشد که در سال ۱۳۹۸ به همت انتشارات دانشگاه علوم پزشکی همدان منتشر گردیده و اطلاعات شایان توجهی را در خصوص پیشینه

چراکه سوای از آنکه از قدیم‌الایام طلایه‌دار این پیشه بوده‌اند، در دوره معاصر نیز با تأسیس مرکز درمانی به سبک نوین گام مثبتی را در این راستا برداشته‌اند.

این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های ذیل است:

• یهودیان همدان چه تأثیری در توسعه و پیشرفت اوضاع بهداشتی و پزشکی همدان از دوره قاجاریه تا پایان پهلوی داشته‌اند؟

• انتخاب حرفه پزشکی توسط یهودیان همدان، که بعضاً میراث‌دار پیشینیان خود بوده و آن را به آیندگان خود نیز انتقال داده‌اند به چه علت بوده است؟

فرضیاتی که در پاسخ به سؤالات فوق، می‌توان متصور شد بدین شرح می‌باشند:

• چنین به نظر می‌رسد که یهودیان همدان در کنار پیشرفت‌های اقتصادی که توانسته بودند در کنار تجارت و بازرگانی برای خود فراهم آورند، در عرصه‌های اجتماعی نیز فعال بودند و با تأسیس مدارس آلیانس اسرائیلیت توانستند در کنار تدریس و آموزش، نخستین نهاد بهداشتی و درمانی خود را در همدان برپا سازند.

• یهودیان همدان به دلیل محدودیت‌هایی که در آن روزگار داشتند، با انتخاب حرفه پزشکی سعی در تثبیت جایگاه خود در جامعه مسلمین داشتند و همچنین با حفظ ارتباط با متنفذین و دولتمردان به دنبال این بودند تا از هرگونه گزندی به دور باشند.

۵. بحث

۵-۱. نگاهی به سابقه حضور یهودیان در همدان

دیرینگی حضور یهودیان در همدان به بیش از دو هزار و هفتصد سال می‌رسد که احتمالاً در اواخر سده هشتم قبل از میلاد بوده است. یعنی زمانی که شالمانسر پنجم، پادشاه آشوری تعداد زیادی از آنان را به شهرهای ماد تبعید می‌کند (۳). با فتح بابل به دست کوروش کبیر و سرنگونی بخت‌النصر، بسیاری از یهودیان از بند اسارت رستند و تحت تأثیر انسان

آصف، ناهید پیرنظر، حبیب شرفی صفا و ... که به اوضاع معیشتی یهودیان همدان پرداخته‌اند، اشاره نمود. خاطرات و سفرنامه‌ها هم در این تحقیق از آن حیث دارای اهمیت است که این مکتوبات حاصل دیده‌ها و شنیده‌های نگارندگان آنها در خصوص اوضاع بهداشتی درمانی شهر همدان و پزشکان یهودی این شهر می‌باشند که به بهترین وجه روایت شده‌اند. خاطرات علیخان ظهیرالدوله حاکم همدان، خاطرات حاج شیخ علی عراقچی از علمای اعلام همدان و سفرنامه‌های ویشارد و گروه از این دست می‌باشند.

۲-۳. گروه دوم

مصاحبه‌های شفاهی با پزشکان یهودی و دیگر افراد از جمله مسلمانان آگاه در این زمینه است که حداقل بخشی از دوره مورد بحث را درک کرده و در آن زندگی نموده‌اند و همچنین طی گفتگو با فرزندان، نوادگان و بازماندگان پزشکان یهودی که در قید حیات نیستند، شرح حال و اقدامات آنان به اطلاع نگارنده رسیده است و این یکی از ویژگی‌های بارز و برجسته پژوهش پیش روست که تاکنون بدان پرداخته نشده است.

۴. یافته‌ها

بررسی منابع نشان می‌دهد یهودیان همدان از قدیم‌ترین ازمینه تاریخ به طب و طبابت اشتغال داشته‌اند و در این شهر صاحب مدرسه‌ای بوده‌اند که دانش پزشکی را آموزش می‌داده است و همین امر باعث شده است که این شهر در جرگه مهم‌ترین پایگاه‌های آموزش پزشکی ایران زمین قرار گیرد. پزشکی در میان یهودیان دارای اهمیتی بس والا بوده و در میان آنها از نسلی به نسل بعد منتقل گردیده است. برخی خانواده‌ها در این شهر بوده‌اند که سالیان سال به این پیشه اشتغال داشته و تا به امروز پوینده راه گذشتگان خود هستند. اقبال یهودیان در همدان، یکی ریشه در اعتقادات دینی و مذهبی آنها دارد و دیگری برای دستیابی به جایگاهی مناسب در جامعه مسلمین و فرار از برخی محدودیت‌ها بوده است. این اقلیت مذهبی در همدان منشأ بهبود و پیشرفت اوضاع پزشکی نیز بوده‌اند

دست فراتر نمی‌رود، چرا که با وقوع انقلاب اسلامی و مهاجرت آنان به تهران، آمریکا و اسرائیل از تعداد این جمعیت کاسته شده است.

۲-۵. اوضاع پزشکی همدان در دوران قاجار و پهلوی

در همدان تا پیش از سال ۱۳۳۲ق (۱۲۹۲ش) حکیمان بدون اجازه رسمی به طبابت و مداوای بیماران می‌پرداختند. تا اینکه در این سال از سوی وزارت معارف، وزارت داخله، وزارت فرهنگ و وزارت کشور طی حکمی به مظفرالملک، حاکم همدان، دستور داده می‌شود که قانون گرفتن اجازه‌نامه رسمی طبابت را با طی مراحل برگزاری امتحانات اولیه، به پزشکان همدان ابلاغ و پس از آن به صورت آگهی برای اطلاع عموم در سطح شهر نصب کند (۱۰). پس از صدور این حکم در همدان، حکیمانی که از میسیونرهای حاضر در همدان اجازه رسمی داشتند، مجوز طبابت آنها مورد تایید وزارت معارف قرار گرفت و حکیمان دیگری که در رشته طب سنتی مقامی والا داشتند، در جلسه امتحان شرکت کردند و اجازه‌نامه رسمی طبابت دریافت کردند و به طبیب مجاز شهرت یافتند (۱۱).

اگر بخواهیم پزشکی همدان را در سیر توسعه بررسی کنیم باید این دانش را با آغاز کار دارالفنون توسط امیرکبیر جست‌وجو نماییم. بدین ترتیب با ورود اطباء همدانی به بخش پزشکی دارالفنون برای آموزش، شرایط انتقال دانش دارالفنون به همدان هم میسر گردید و نام این پزشکان همدانی در کشور زباز شد (۱۲).

در این بین نباید از تأثیر گروه‌های تیشیری و مبلغان مذهبی در پیشرفت پزشکی همدان غافل شد، چراکه اولین نهاد آموزشی و درمانی در شهر همدان بیمارستان آمریکایی بود که تأسیس آن مرهون زحمات خانم دکتر بلانش ویلسون (*Blanch.Wilson*) می‌باشد. در سال ۱۹۰۶م (۱۲۸۵ش) توسط دکتر آرتور فانک (*Arthur.Funk*) ساخت بنای جدیدی آغاز شد و یک سال بعد اولین بیمارستان همدان افتتاح شد و بیمارستان لیلی رید هولت (*Lily Reid Holt Hospital*) نام گرفت (۱۳).

دوستی کوروش، ایران را برای زندگی انتخاب کردند و خیل عظیمی از آنان وارد همدان شدند. بدیهی است همه پادشاهان و حکومت‌های گذشته مهر و عطوفت شاهان هخامنشی را نسبت به یهودیان نداشته‌اند و در حکومت‌های بعدی زندگی یهودیان دچار تغییراتی شد و محدودتر شدند (۴). قدیمی‌ترین اشاره‌ای که به تعداد یهودیان همدان شده است مربوط به جهانگرد یهودی اهل اسپانیا به نام «خاخام رابی بنیامین» که در حدود سال ۱۱۶۴م (۵۴۳ش) از همدان، نهاوند و ری دیدن کرده و تعداد یهودیان این شهر را ۵۰۰۰۰ تن برشمرده است (۳). تعداد قابل توجه یهودیان باعث شده است که همدان همواره به عنوان یکی از مراکز فرهنگی مذهبی یهودیان مطرح باشد و آنها مبادرت به ایجاد مدارس مذهبی در این شهر کنند. این‌گونه مدارس حتی تا اواخر قرن هجدهم میلادی به کار خود ادامه داده‌اند (۵). در دوران معاصر نیز تامسون (*Thomson*) در گزارشی که مربوط به آوریل ۱۸۶۸م (۱۲۴۷ش) است، تعداد یهودیان همدان را ۲۰۰۰ نفر می‌داند که به نظر او این تعداد بزرگترین جامعه یهودی در آن روزگار بوده است (۶). لرد کرزن نیز در کتاب ایران و قضیه ایران که حاصل سفرش به ایران در سال ۱۸۸۹م (۱۲۶۸ش) می‌باشد راجع به یهودیان همدان می‌نویسد: «در این شهر بالغ بر ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر یهودی مقیم‌اند که همدان در نظر ایشان به طرز حیرت‌انگیزی همواره مقدس به شمار می‌رفته است» (۷). شغل و حرفه یهودیان ابتدا کشاورزی و گله‌داری بوده است و بعدها با توجه به تغییرات اجتماعی ایران، به طرف حرفه‌های دیگر مانند پیشه‌های قماش فروشی، عطاری و در قرون بعدی به طرف شغل اداری و پزشکی و سایر مشاغلی علمی گرایش پیدا نمودند (۸). یهودیان همدان به دلایلی همچون نزاع با مسلمانان، ازدیاد جمعیت، کاهش مشاغل، گرویدن بسیاری از آنان به بهائیت و مسیحیت، همچنین قشون کشی سالارالدوله شروع به مهاجرت از همدان کردند و در دوره پهلوی به شدت از جمعیت آنان در همدان کاسته شد (۹). البته تعداد یهودیان امروز همدان از تعداد انگشتان دو

تأمین می‌کرد. در همدان نیز با گسترش و افزایش تعداد پزشکان تحصیل کرده و اقبال عمومی نسبت به ویزیت بیماران توسط آنها، کم‌کم مراجعه به حکیمان و طبیبان سنتی کاهش یافت. تأثیر سریع‌تر داروهای شیمیایی و همچنین شناخت و تشخیص پزشکان موجب شد بیماران مراجعه به پزشکان جدید را ترجیح دهند. در اواخر دهه ۵۰ ش همدان صاحب اولین بیمارستان خصوصی شد. این بیمارستان که «بوعلی» نام داشت در سال ۱۳۵۶ ش با همت دکتر عبدالله جلالی و سایر همکاران وی آغاز به کار کرد و گام مثبتی بود در پیشرفت پزشکی همدان. از دیگر پیشرفت‌های حوزه آموزش پزشکی در همدان تأسیس دانشکده علوم پزشکی در این شهر در سال ۱۳۵۴ ش زیر نظر «دانشگاه بوعلی سینا» همدان بود که طلیعه‌ای بود در جهت آموزش پزشکان متبحر و مورد نیاز این دیار (۱۶).

۳-۵. فعالیت‌های پزشکی یهودیان همدان

همدان را در آثار تاریخی و جغرافیایی «دارالطب» گفته‌اند و دادن این لقب از آن روست که پیش از اسلام طبابت در این شهر رواج داشته و پس از اسلام نیز با آمدن شیخ‌الرئیس بوعلی سینا به این شهر دانش پزشکی رو به ترقی رفته و در دوره قاجار به دست یهودیان ادامه یافت، به‌طوری‌که طبابت و پزشکی از مشاغل مخصوص یهودیان به شمار می‌رفت (۱۷). به گفته دیوید دو بت هیلل (David D`Bet Hillel) دانشمند و جهانگرد لیتوانیایی (۱۸) که حوالی سال ۱۸۲۷ م (۱۲۰۶ ش) به همدان سفر کرده است، در بین ۱۰۰ هزار ساکنان مسلمان این شهر ۲۰۰ خانواده یهودی زندگی می‌کردند، برخی از یهودیان همدان پزشک بودند و بعضی دیگر تلافروشان و بازرگانانی ثروتمند بودن (۱۹). در دوران قاجار نیز طب و طبابت همچنان در حیطة و اختیار یهودیان بود و بنا به گفته گروه در آن دوران سیصد نفر از پزشکان این شهر به حرفه طبابت اشتغال داشته‌اند (۲۰). همچنین همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، دکتر حبیب لوی هم در کتاب خود «تاریخ یهود ایران»، شهر همدان را یکی از مهم‌ترین مراکز پزشکی ایران

این بیمارستان علاوه بر اینکه پایگاهی جهت نشر و تبلیغ دین مسیحیت در همدان بود، نقش بسزایی در بالا بردن سطح بهداشت، درمان و آموزش پزشکی این شهر در روزگار خود بود. بسیاری از پزشکان همدان فارغ از هر دین و آیینی در این بیمارستان مشغول به طبابت و گذراندن دوره‌های آموزش پزشکی بودند.

بیمارستان آمریکایی همدان در طول دوران فعالیت خود (دوران مشروطه تا پایان پهلوی دوم) همواره در کنار فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی خود در کنار بیمارستان پهلوی دیگر بیمارستان همدان نقش چشمگیری را ایفا نمود و با تربیت پزشکانی که ذکرشان پیش‌تر رفت، کمک‌های شایانی در تربیت پزشکان نسل‌های بعد داشتند (۱۴). چنانچه در تصدیق‌نامه میرزا اسرائیل (دکتر اسرائیل بصیر) چنین آمده است: «مریض‌خانه شریفه ینگه دنیایی در همدان - مخفی و مستور نماند که میرزا اسرائیل ابن سلیمان در مدرسه آمریکایی در همدان علوم مقدماتی را به عمل آورده و به اذن و اجازه و تصدیق رؤسای مدرسه مزبوره فراغت حاصل نموده و بعد مدت سه سال در مریض‌خانه آمریکایی شب و روز مقیم بوده، در تحصیل علوم مشروحه مفصله ... سعی و کوشش تامی به جا آورده و همیشه در کلینیک مریض‌خانه حاضر بوده ... لهذا مشارالیه در هر شهری می‌تواند مشغول معالجه امراض و جراحی بوده باشد محل اطمینان و اعتماد است ... فی تاریخ هفت فی سنه ۱۹۰۹ م (۱۳۲۷ ق)» (۱۵).

با روی کار آمدن رضاشاه و تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ ش، بسیاری از پزشکان خارجی برای تشکیل هسته اولیه این دانشگاه و تدریس در آن وارد ایران شدند. در این دوره همدان نیز از پیشرفت‌های پزشکی در ایران بی‌نصیب نماند و بیمارستان پهلوی که اولین بیمارستان دولتی این شهر بود در سال ۱۳۰۸ ش تأسیس شد و در کنار بیمارستان آمریکایی، آغاز به کار نمود (۱۶).

با آغاز زمامداری محمدرضا پهلوی و پایان گرفتن جنگ بین‌الملل دوم در ۱۳۲۴ ش سیاست جدیدی در کشور اعمال گردید. دانشگاه تهران که در سال ۱۳۱۳ ش تأسیس شده بود، در این سال‌ها به ثمر نشسته بود و پزشکان مورد نیاز کشور را

۱-۳-۵. **درب حکیمخانه:** درب حکیمخانه همدان امروز به نام و بازار طلافروشان در همدان معروف و مشهور است در مرکز شهر همدان واقع است و از ابتدای خیابان عباس‌آباد (شریعتی کنونی) شروع می‌شود و ادامه آن به آخرین قسمت بازار طلافروش‌ها به خیابان باباطاهر ختم می‌شود. این محل با داشتن ده‌ها حیاط و اتاق متعلق به حکیمی از هر مذهب بوده و بیماران هر حکیمی به او مراجعه و حکیم نیز به دوا و درمان مشغول می‌شده است. در این محل حکیمان علاوه بر معاینه و درمان بیماران، به شاگردان خود علم طب را تدریس می‌کرده‌اند (۲۴). این مکان که پیشینه ساخت آن به درستی مشخص نیست تا سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی پابرجا بود و به مرور و با مهاجرت پزشکان آن به خارج از کشور و نقل مکان آنان امروزه اثری از آن باقی نمانده است و تبدیل به بازار طلافروشان و لباس‌فروشان شده است. دوران شکوفایی این مرکز پزشکی به احتمال زیاد دوران قاجار تا پهلوی اول بوده است. این محوطه محل زندگی و کسب گروهی از پزشکان عموماً یهودی بوده که ظاهراً پیش از احداث خیابان باباطاهر این محوطه به کوچه جراح‌ها متصل بوده است. کوچه جراح‌ها در ضلع شمالی خیابان باباطاهر پایین دست راسته حاج شیخ اسدالله که با دو پیچ حدوداً نود درجه‌ای امتداد می‌یابد و نهایتاً به راسته حسین خانی و اول کوچه خونی‌ها می‌رسد. برخی می‌گویند این کوچه تا درب حکیمخانه امتداد داشته و احداث خیابان باباطاهر آن را دو بخش کرده است. ظاهراً سکونت چندین جراح یهودی در این کوچه وجه تسمیه آن است (۲۵). به استثنای یهودیان، پزشکان مسلمان هم در درب حکیمخانه مستقر بوده و در کنار هم و با همکاری یکدیگر در توسعه بهداشت و درمان جامعه آن روز همدان قدم بر می‌داشته و به مداوای بیماران اهتمام می‌نموده‌اند. «سید غلامحسین خسروی»، «سید حسن عمادی رضوی» و «میرزا عبدالجواد کرمانی» از آن جمله‌اند. در این محل داروخانه‌های زیادی هم وجود داشته که اغلب به صورت گیاهی و سنتی فعالیت می‌نموده‌اند، «داروخانه کیوان» از جمله داروخانه‌های

می‌داند (۲). این گفته‌ها از اهمیت حرفه پزشکی در نزد یهودیان همدان و نقش تأثیرگذار این شهر در تربیت پزشکان یهودی حکایت دارد. همچنین ظهور پزشکان یهودی می‌تواند معلول این باشد که که آنان مانند مسلمین تعصب به خرج نمی‌دادند و از قیود مذهبی تا اندازه‌ای آزاد بودند (۲۱). طبابت یهودیان با تأسیس مدارس و مراکز آموزشی و بهداشتی مسیحیان و مدرسه آلیانس پیشرفت نمود و همان‌گونه که در فعالیت‌های اقتصادی موفق به تثبیت خود در بازار و اجتماع شده بودند، در حوزه طبابت نیز جایگاه خود را در جامعه تثبیت نمودند (۹). با آنکه سوار شدن بر اسب و الاغ سفید که نشانه منزلت و بزرگی بود برای یهودیان ممنوع بوده اما طبیبان در همدان از این قاعده مستثنی بودند (۲۲).

پس از تأسیس مدرسه و بیمارستان آمریکایی در همدان، از مجموع صد دانش آموخته یهودی آن، تعدادی به حرفه پزشکی اشتغال یافتند (۲۳). از پزشکان یهودی که در این بیمارستان به آموختن حرفه پزشکی پرداختند می‌توان به دکتر محمود سینا و برادرش دکتر ابراهیم‌خان ظهیرالحکما، دکتر مهدی‌خان بدیع‌الحکما و برادرش ناصرالحکما و تعداد دیگری از پزشکان یهودی آن روزگار همدان اشاره نمود که زیر نظر دکتر آرتور فانک (*Arthur Funk*) و علم طب را به صورت تجربی فراگرفتند. دکتر جورج هلمز (*George W. Holmes*) از دیگر پزشکان میسیونری بود که بسیاری از تجار یهودی همدان را با اصول طب مدرن تربیت کرد (۱۶). گرایش به مسیحیت عمدتاً ناشی از فعالیت مبلغین آمریکایی در همدان بود و بیشتر کسانی که به این آیین درآمدند کسانی بودند که تحصیلات خود را در مدرسه آمریکایی به پایان رسانده بودند. علاوه بر این بسیاری از پزشکان یهودی در همدان که آموزش پزشکی خود را در بیمارستان آمریکایی این شهر سپری کرده‌اند نیز به مسیحیت گرویدند [مانند دکتر بدیع‌الحکما]. آنان با گرایش به آیین جدید سعی داشتند از زندگی تحقیرآمیز خود فرار کنند و امیدوار بودند که نمایندگان دیپلماتیک در ایران مانند مسیحیان از آنها محافظت کنند (۶).

۲-۳-۵. میراث مدرسه آلیانس: بی‌شک تلاش آلیانس جهت ارتقاء جامعه یهودی به طبقات متوسط و بالا از یاد نخواهد رفت. دستاورد مهم و جاوید آنها تنها طی دو نسل حاصل شد. آلیانس با مبارزات مستمر شدید خود جامعه یهودی را به تحصیل و اعتماد به نفس که لازمه ورود و عرض اندام در جامعه مدرن جهانی بود، واداشت. پس از ظهور آلیانس، گرایش به تغییر دین یهودیان در میان یهودیان کاهش یافت. تفاسیر غلط و خرافات یهودیان میان شاگردان آلیانس به حداقل رسید و علاقه به تاریخ، فرهنگ و جامعه یهود به بالاترین حد رسید، که می‌توان گفت نهضت آلیانس گام مهمی در احیای فرهنگ دو هزار و هفتصد ساله یهودیان ایران برداشت (۲۲). هرچند مدرسه مذکور با حمایت از اقلیت یهودیان ساخته شد اما با توجه به تربیت شاگردان بسیار در علوم مختلف از جمله طب و طبابت و تلاش در جهت درمان بیماران این مرکز در تاریخ پزشکی همدان نقش پر رنگی داشته است.

این مدارس برای برای دانش آموزان یهودی به وجود آمده بود ولی بسیاری از خانواده‌های مسلمان هم فرزند خود را برای تحصیل به این مدارس فرستادند. این همجواری دانش آموزان یهودی و مسلمان باعث شد که ارتباط بیشتری بین کودکان یهودی و مسلمان برقرار گردد (۲۷). صرف نظر از روابط مستحکمی که تشکیلات آلیانس با مراکز سیاستگذاری و تصمیم‌گیری دولتمردان و کانون‌های قدرت داخل کشور داشت. دانش‌آموختگان این مدارس در حوزه‌های مختلف مدیریتی سراسر کشور ورود پیدا کرده بودند که این امر نشانگر موقعیت ممتاز مدارس در آن زمان بود. وجود دانش‌آموزان مسلمان در کنار یهودیان در این مدارس زمینه‌های همگرایی فکری بین آنان را فراهم نمود و موجب نزدیک شدن این دو جامعه به یک دیگر شد (۲۲). همچنین می‌توان ادعا نمود تمامی پزشکان یهودی اهل همدان دانش‌آموختگان این مدرسه بوده‌اند که همین امر نشانگر اهمیت و تأثیر قابل توجه این مدرسه در پرورش این قشر می‌باشد.

تحت اداره یهودیان در درب حکیمخانه بوده که علاوه بر توزیع داروهای گیاهی اقدام به عرضه و توزیع داروهای شیمیایی به صورت معدود هم می‌نموده‌اند (۱۶).

۲-۳-۵. مدرسه آلیانس اسرائیلیت (اتحاد) همدان: مدارس آلیانس اسرائیلیت سال‌ها قبل از دوران پهلوی توسط آلیانس فرانسه در شهرهای مختلف ایران تأسیس یافته بود. در رابطه با اهمیت نقش پزشکان و اطبای یهودی همدان در دوره پهلوی دوم؛ نباید از تأثیرات مثبت مدرسه آلیانس غافل شد، چراکه این مدرسه سهم بسزایی در تعلیم و تربیت و شکوفایی استعداد محصلینش داشت. این مدرسه که بیشتر دانش‌آموزان آن را اقلیت یهودی همدان تشکیل می‌داد، از دیگر ادیان از جمله مسلمانان هم دانش‌آموز می‌پذیرفت. مدرسه آلیانس همدان دومین مدرسه‌ای بود که پس از تهران در کشور تأسیس شد. تا پیش از تأسیس این مدرسه کلیمیان از نظر امکانات مادی و معنوی وضع خوبی نداشتند. این مدرسه در سال ۱۲۷۹ش با مساعدت اتحاد جهانی آلیانس احداث شد. این مدرسه تا جایی پیش رفت که بهترین آموزگاران و دبیران را در اختیار گرفت و دانش‌آموزان آن در مسابقات درسی همواره رتبه‌های اول تا سوم را کسب می‌نمودند (۸)، (۲۶).

۱-۳-۵. مدرسه آلیانس و بهبود وضع بهداشت و درمان در همدان: تا پیش از تأسیس این مدرسه یهودیان همدان از بهداشت نیز کم‌بهره بودند اما بعد از تأسیس این مدرسه در کنار آن درمانگاهی احداث گردید تا هم یهودیان همدان در آنجا به درمان امراض خود بپردازند و هم دانش‌آموزانی که در مدرسه برایشان مشکلی پیش می‌آمد در این درمانگاه مداوا شوند (۸). این مرکز از نخستین مراکز درمانی به سبک مدرن در همدان بود (۹). این مدرسه تا یکسال پس از انقلاب اسلامی نیز فعال بوده است ولی به دلیل مهاجرت یهودیان همدان به تهران و گاه خارج از کشور منحل و نام آن تغییر یافت و بعداً به علت قدیمی بودن تخریب و به جای آن مدرسه دیگری ساخته شد (۸).

۳-۳-۵. طایفه حکیمان یهودی همدان: در همدان

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد از دیرباز حرفه پزشکی مورد توجه یهودیان بوده است تا جایی که هم‌اکنون هستند خانواده‌هایی که همگی به این خدمت مقدس مشغولند و تک‌تک افراد آن چه زن و چه مرد در رشته‌های مختلف پزشکی مشغول به انجام وظیفه هستند. در این بین طایفه‌ای در همدان وجود دارد که از قدیم‌ترین زمان تاکنون به حرفه پزشکی اشتغال داشته‌اند. در این طایفه دانش گیاهان دارویی، معجون‌ها و خواص داروها از پدر به پسر و از مادر به دختر رسیده است. دکتر جمشید شفائی فرزند دکتر عبدالله شفائی یکی از پزشکان این طایفه بر این عقیده است که اجداد وی تا پنج نسل قبل به طبابت اشتغال داشته‌اند (۲۸).

دکتر کورس کیوانی که پدرش حکیم لاله‌زار کیوانی از داروسازان قدیم همدان بوده است و خود دندانپزشک است و اکنون در آمریکا سکونت دارد و همچنین سابقه نمایندگی کلیمیان در مجلس شورای اسلامی را در کارنامه خود دارد، در رابطه با قدمت دانش پزشکی در خانواده خود اطلاعات موثق و بیشتری داشته و این‌گونه اظهار می‌دارد که طبق شجره‌نامه‌ای که اکنون مفقود شده و از میان رفته است، اجداد وی از سال پیش تا به امروز در رشته‌های مختلف پزشکی اعم از پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی اشتغال داشته‌اند. نادرشاه افشار به دلیل علاقه وافری که به توسعه تجارت و گسترش شهرها داشت، تعدادی از یهودیان دیلمان گیلان را به مشهد کوچاند تا همان‌طور که ذکر شد مقدمات رونق تجارت و بازرگانی را به وسیله آنان در پایتخت خود فراهم سازد. از آنجا که در عهد نادری، اندکی از نفوذ و دخالت سیاست‌های خارجی در ایران کاسته شده بود، یهودیان توانستند مانند مسلمانان چند صباحی در آرامش زندگی کنند. آنان همچنین در سایه سیاست آزادی مذهبی نادر تا پایان دوران سلطنت وی در امنیت کامل به سر بردند و وی برای تنظیم امور مالی امپراطوری پهناور خود از کمک‌های آنان بهره جست (۲۹).

به گفته دکتر کیوانی در میان یهودیان مهاجر به مشهد فردی به نام حکیم باخاج که پیش از ورود به این شهر نیز در طب و طبابت دست داشته است از مقام و جایگاه ویژه‌ای در دربار نادر برخوردار گردید و در سلک مقربین وی درآمد. پس از قتل نادر که به تحریک و توطئه برادرزاده وی علیقلی خان (عادلشاه افشار) صورت گرفت، بیشتر فرزندان نادر مانند نصرالله میرزا و رضاقلی میرزا به دستور وی کشته شدند و دیگر اعضای خانواده و نزدیکان او نیز تحت تعقیب قرار گرفته، آزار و اذیت شدند یا به قتل رسیدند. پس از این واقعه سه تن از پسران حکیم باخاج که پدرشان از مقربین درگاه نادر بوده به شهرهای خوانسار، همدان و ملایر مهاجرت می‌نمایند. از مهم‌ترین دلایل ترک مشهد، می‌تواند متواری شدن از دست عوامل عادل شاه و حفظ جان خود و خانواده خود بوده باشد. همان‌طور که پیش‌تر ذکر آن به میان آمد، شاید یکی از عللی که دکتر حبیب لوی در کتاب خود، شهرهای خوانسار، گلپایگان و همدان را از نظر پزشکی مهم دانسته و آنها را از مهم‌ترین مراکز پزشکی کشور دانسته وجود همین طایفه‌های حکیم در مناطق مذکور بوده باشد (۲).

به زعم نگارنده طایفه حکیمان خوانسار نیز می‌توانند از نسل همان فرزند حکیم باخاج باشند که به این شهر مهاجرت نموده است. از سرنوشت دیگر فرزند وی که در ملایر ساکن شده اطلاعاتی در دست نیست. اما فرزند دیگر وی که به همدان مهاجرت نموده است، حکیم ابراهیم نام داشته و به (ایران حکیم) شهرت داشته است. ایران حکیم که ادامه‌دهنده راه پدر بود، سال‌ها در همدان به طبابت پرداخته و این حرفه را به فرزندان و نسل‌های پس از خود نیز آموخته و انتقال داد. حکیم مردخای و دامادش حکیم عزیز نیز از نسل همین ایران حکیم بودند و دیگر پزشکان یهودی همدان در دوره‌های پس از آنان تا به امروز اکثراً از فرزندان دو حکیم مذکور می‌باشند. یکی از نکات جالب توجه در خصوص این طایفه، گذشته از موروثی بودن حرفه پزشکی در میان آنها، ازدواج درون خانوادگی و نسبت‌های پیچیده فامیلی بین

تورات نتیجه می‌گیریم که خداوند، همان قدر که به مراقبت از امور روحانی توصیه می‌کند و ۶۱۳ فرمان برای رستگاری دو جهان برای انسان وضع می‌نماید، همچنین دستور می‌دهد که انسان از جسم خود مواظبت کند. در بخش‌های مختلف تلمود هم از زبان دانشمندان و متفکران یهود، پندهای بسیاری در زمینه رعایت بهداشت و مراقبت از جسم به چشم می‌خورد، چرا که یک روح سالم در جسمی تندرست می‌تواند فرمان‌های الهی را انجام دهد زیرا انسان با برخی بیماری‌ها از انجام تعدادی از فرامین معاف می‌شود. به طور مثال انسان بیمار نمی‌تواند نماز و نیایش روزانه یهودیان را کامل بخواند. به علت وجود همین دستورات است که علم پزشکی در دین یهود مقام شامخی می‌یابد. در سفارشات علمای یهود نیز آمده است، فرد عاقل نباید در شهری که پزشک ندارد زندگی کند (۳۲).

• یهودیان در برهه‌های مختلف تاریخی و در حکومت‌های مختلف گاه‌گاهاً مورد بی‌مهری قرار گرفته و توسط پیروان دیگر ادیان و برخی عناصر افراطی مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند که این امر به دلیل در اقلیت بودن آن‌ها می‌باشد (۲۷)، (۳۳). یهودیان همدان نیز از این قاعده مستثنی نبوده و فراز و نشیب‌های بی‌شماری را در مدت اقامت خود در همدان تحمل کرده‌اند. مثلاً در سال ۱۲۷۵ش گروهی به رهبری شخصی به نام آقا ریحان‌الله در همدان برای یهودیان مزاحمت‌هایی را ایجاد نمودند. شخص دیگری به نام میرزا عبدالله در همدان دستوراتی درباره نحوه لباس پوشیدن و شکل در ورودی خانه‌های آنان صادر کرد (۸). در سال ۱۲۸۱ش شیخ محمدحسن بهاری امر کرد خیاط‌های مسلمان برای یهودیان این شهر جامه ندوزند (۲). در سال ۱۲۹۱ش پسر حاجی^۱

۱. بیت‌المقدس از اهم اماکن مقدسه یهودیان است و زیارت این مکان که در نزد آنها «حج بیت‌المقدس» خوانده می‌شود برای یهودیان دارای اهمیت بسیاری می‌باشد. حج یهود در بیت‌المقدس روز چهاردهم ماه دینی آنان (ماه نیسان) است که به مناسبت نجات موسی (ع) و بنی‌اسرائیل از چنگال فرعون و خروجشان از مصر برگزار می‌گردد. از این رو یهودیان کسی را که به زیارت بیت‌المقدس مشرف می‌گردد «حاجی» خطاب می‌کنند.

آنان است که همه آنها از چند جهت با یکدیگر فامیل هستند (۳۰).

در ادامه توضیحاتی، جهت درک بهتر نسبت‌های فامیلی میان آنان و شناخت بیشتر افراد این طایفه خواهد آمد:
حکیم عزیز، داماد حکیم مردخای. دکتر مراد سینائی، داماد حکیم عزیز. نجات‌الله کیوانی، پسر دایی و داماد دکتر محمود سینا. لاله‌زار کیوانی، داماد دکتر مراد سینائی. دکتر محمود سینا، دایی دکتر عزیز سینائی. دکتر منوچهر سینائی، داماد ظهیرالحکما. دکتر عزیز سینائی، دایی دکتر کورس کیوانی. دکتر بدیع‌الحکما، دکتر ناصرالحکما و دکتر عیسی رفیع هر سه فرزندان حکیم رفیعا و دایی‌های لاله‌زار کیوانی بودند. دکتر داوود رفیع، پسر دکتر ناصرالحکما. دکتر فرج‌الله ارفع، داماد بدیع‌الحکما حبیب‌الله اتحادیه (مالک داروخانه اتحادیه)، داماد ناصرالحکما دکتر هوشنگ شادمان، پسر خاله دکتر کورس کیوانی و هر دو نوه‌های دختری دکتر مراد سینائی بودند. دکتر یدالله شفا، دایی دکتر عبدالله شفائی دکتر امیر هوشنگ شفا، پسر دکتر یدالله شفا (۳۰).

۴-۳-۵. جایگاه پزشکی در میان یهودیان و علل روی

آوردن آنان به این حرفه: در رابطه با علل انتخاب حرفه پزشکی توسط یهودیان، بالأخص یهودیان همدان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

• همدان از عهد باستان شهری یهودی‌نشین، مرکز مهم فرهنگی آن قوم و مقر بیشویه (Yashivah) یا مدرسه رتانی اسرائیلیان بوده است. پیشینه پزشکی هم در آنجا اگر نه کلاً اختصاص به یهودیان داشته و تا عصر حاضر اشتغال ایشان به آن حرفه بوده است. از جمله افرادی که در این مدرسه رتانی دانش پزشکی آموخته خواهد رسیدالدین فضل‌الله را می‌توان نام برد (۳۱).

• عمده‌ترین دلیل و شاید یکی از دلایل قداست حرفه پزشکی در دین یهود، به آموزه‌ها و دستورات تورات و تلمود باز می‌گردد که خداوند در تورات همواره انسان‌ها را به اهمیت زندگی و حفظ سلامتی خود و دیگران تشویق نموده است. با استناد به

با توجه به موارد یادشده و محدودیت‌هایی که در زمینه‌های مختلف برای یهودیان وجود داشته است. می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری نمود که یهودیان با ورود به عرصه پزشکی سعی در تثبیت جایگاه خود در جامعه مسلمین داشتند. این اقدام رفته رفته مثمر ثمر واقع شد و باعث گردید که یهودیان ارتباط مستقیمی با مسلمانان برقرار کنند و بتوانند در کنار آنها زندگی آرامی داشته باشند. در شهرهایی همچون تهران و همدان طبیبان یهودی به منزل مسلمانان آمد و شد داشتند. حاج شیخ علی عراقچی از روحانیون همدان در خصوص ارتباط پزشکان یهودی همدان با مسلمانان در خاطرت خود چنین آورده است: «... مردم مجبور بودند به دکترهای جهود مراجعه کنند و این باعث می‌شد که بعضی وقت‌ها آنها به منازل مسلمانان راه پیدا می‌کردند. یک بار مادر عیال من از پشت بام افتاد و سرش شکاف برداشت که مدت زیادی تحت معالجه یکی از دکترهای یهودی بود» (۳۷). به بیان واضح تر یهودیان از طریق این حرفه می‌توانستند برای خود احترام ویژه‌ای کسب کنند.

در ادامه شرح حال تعدادی از پزشکان یهودی همدان که در دوره‌های قاجار، پهلوی اول و پهلوی دوم در همدان فعالیت داشته‌اند آورده می‌شود:

۵-۳-۵. معرفی تنی چند از پزشکان یهودی همدان در دوران قاجار و پهلوی: در زیر به معرفی تعدادی از پزشکان، دندانپزشکان و داروسازان یهودی و معروف که از اواخر دوره قاجار تا پایان دوره پهلوی به فعالیت در عرصه بهداشت، درمان و داروسازی در همدان مشغول بوده‌اند و اطلاعاتشان توسط نگارنده به دست آمده است، پرداخته شده است. ترتیب معرفی افراد از قدیم به جدید بوده و پزشکان یهودی همدانی شاغل در همدان و خارج از همدان و همچنین پزشکان یهودی غیر همدانی شاغل در همدان را دربر می‌گیرد:

۱-۳-۵. حکیم عزیز: وی از حکیمان یهودی همدان در اواخر عهد قاجار بود و به دلیل عدم وجود دانشگاه در آن زمان مانند بسیاری از اطباء هم‌دوره خود طبابت را به

دانیال تویسرکانی از یهودیان تویسرکان، توسط عده‌ای از افراطیون در اطراف این شهر به قتل رسید (۲).

• محدودیت‌های موجود باعث شد تا یهودیان کمتر بتوانند در مشاغل حساس کشوری و لشکری حضور پیدا کنند و از استخدام آنها در دوایر و ادارات دولتی ممانعت به عمل می‌آمده است (۳۴). بنابراین یهودیان به فعالیت‌های اقتصادی خاصی می‌پرداختند که برای آنها منعی ایجاد نمی‌کرد و در نزد مسلمانان از وجاهت قابل قبولی برخوردار بود. به طوری که می‌توان گفت حرفه درمان و پزشکی همدان در اختیار یهودیان بوده است. آنان به وسیله طب و طبابت می‌توانستند بدون نیاز به سرمایه‌گذاری، درآمد قابل توجهی کسب کنند و از طرفی دیگران را به خود محتاج می‌نمودند. چون نیاز به دارو، معالجه و درمان بیماری‌ها مورد احتیاج تمام انسان‌ها فارغ از هرگونه رنگ و نژاد و مذهبی می‌باشد.

• یهودیان به وسیله پزشکی می‌توانستند به دربار شاهان و صاحب منصبان رفت و آمد و با علما و حکام محلی حشر و نشر داشته باشند و درمواقع خطر، اعمال نفوذ نموده و شفاعت هم‌کیشان خود را بنمایند. زیرا آنان از دیرباز، از زمان ایلخانان تا دوران پهلوی همیشه مورد اعتماد و طبیب دربار پادشاهان ایرانی بوده‌اند. مرحوم دکتر حبیب لوی دندانپزشک مخصوص رضاشاه، شاید یکی از آخرین پزشکان یهودی دربار شاهان ایرانی بوده باشد (۳۵). در همدان بسیاری از پزشکان یهودی بودند که مورد اعتماد حاکمان و علمای وقت بوده‌اند. برای مثال عالم ربانی معروف، مرحوم آخوند ملاعلی معصومی همدانی، دارای روابط حسنه‌ای با دکتر منصور یونانی بوده و وی از پزشکان مورد اعتماد ایشان بوده است (۳۶).

• علاوه بر دلایلی که در بالا ذکر شد و مشکلاتی که اغلب پیش روی یهودیان به عنوان قشر اقلیت جامعه وجود داشته می‌توان این‌گونه ادعا نمود که آنان به ناچار تصمیم گرفته‌اند مشاغلی را انتخاب کنند که همواره و در همه حال همراه آنان باشد و مواقع جنگ و آشوب و بی‌مهری‌هایی از این دست، به راحتی از دست نرود و مورد مصادره و دستبرد دیگران قرار نگیرد.

اساتید دانشگاه آمریکایی بیروت بود در آنجا به تحصیل پزشکی پرداخت و سپس مطب خود را در درب حکیمخانه همدان دایر نمود. وی همچنین دوره‌های مختلف پزشکی را نیز در مراکز پزشکی انگلیس، اسرائیل و لبنان گذراند و در اواخر دهه ۳۰ ش در ژنو بدوود حیات گفت. نوّه وی دکتر پرویز بنی‌شاهی (زاده ۱۳۰۷ همدان) دکتر داروساز می‌باشد که هم‌اکنون ایام بازنشستگی را در تهران سپری می‌کند (۴۱).

۵-۳-۵-۶. دکتر محمود سینا (۱۲۶۷-۱۳۳۷): متولد همدان و فرزند حکیم عزیز بود. در بیمارستان آمریکایی زیر نظر پزشکان مطرحی همچون دکتر فانک به تحصیل در رشته پزشکی پرداخت و در سال‌های بعد با قبولی در امتحان وزارت معارف موفق به اخذ مجوز طبابت گردید. وی تا سال ۱۳۳۳ ش در مطب خود در درب حکیمخانه به طبابت مشغول بود و پس از آن به تهران مهاجرت نمود و در سال ۱۳۳۷ ش دیده از جهان فرو بست. وی در گورستان بهشتیه خاوران تهران مدفون گردیده است (۳۸).

۵-۳-۵-۷. دکتر عبدالله شغائی (۱۲۷۹-۱۳۶۴): متولد همدان و پدرش حکیم موسی بود. پس از تحصیل در آلیانس، نزد دکتر بدیع‌الحکما دوران پزشکیاری را گذرانده و از وزارت معارف اجازه نامه دریافت کرد. دکتر شغائی حدود ۶۰ سال در همدان طبابت نمود و از حسن شهرت قابل توجهی برخوردار بود. در سال ۱۳۵۷ ش به کانادا مهاجرت نمود و در سال ۱۳۶۴ در مونترال چشم از جهان فرو بست. فرزند وی دکتر جمشید شغائی (زاده ۱۳۲۷ همدان) متخصص اطفال و هم‌اکنون در لس‌آنجلس اقامت دارد (۲۸).

۵-۳-۵-۸. دکتر عبدالله مستفیض (۱۲۸۰-۱۳۴۱): در همدان متولد شد و پدرش به هارون جراح شهرت داشت. تحصیلات خود را در مدرسه آلیانس پشت سر گذاشت. اجازه نامه طبابت خود را در سال ۱۳۰۹ ش اخذ نمود حکیمخانه قریب به چهل سال در درب حکیمخانه همدان و چهار سال در محله سلسبیل تهران مطب داشت. وی سرانجام در ۷ شهریور ۱۳۴۱ دیده از جهان فرو بست و در بهشتیه خاوران آرمید. (۴۲).

صورت تجربی فرا گرفته و به (حکیم عزیز) شهرت داشت. از آنجا که وی به حرفه خود تسلط کامل داشت و پزشکی دلسوز بود در همدان از احترام بالایی برخوردار بود و حاکمان وقت همدان و حتی رهبران مذهبی نیز از خدمات ایشان استفاده می‌کردند (۳۸).

۵-۳-۵-۲. دکتر دانیال صدیق ارشادی (صدیق‌الحکما): اهل همدان بود و در اواخر عهد ناصری تحصیلات طبی خود اعم از طب قدیم و طب جدید را در مدرسه آمریکایی همدان سپری و در کحالی و داروسازی نیز خیره بوده است. وی پس از کودتای سردار سپه به عنوان طبیب صحیه نظمیه همدان منصوب گردیده است (۱۵).

۵-۳-۵-۳. دکتر مهدی بدیع (بدیع‌الحکما): فرزند حکیم رفیعا بود و در بیمارستان آمریکایی همدان پزشکی را فرا گرفت و مدت‌ها دستیار دکتر فانک رییس این بیمارستان بود و تأثیر تعالیم میسیونرها به مسیحیت گروید. وی از سال ۱۲۹۵ تا ۱۲۹۸ ش ریاست صحیه نظمیه همدان و از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۲ ش سمت طبیب صحی بلدیّه را بر عهده داشت و در ۱۲ آبان ۱۳۳۷ ش دیده از جهان فرو بست. باغ وی در ابتدای جاده درّه مرادبیگ سال‌ها اقامتگاه عارف قزوینی بود و اکنون به موزه علوم پزشکی همدان تبدیل شده است (۳۹).

۵-۳-۵-۴. دکتر ابراهیم ظهیر (ظهیرالحکما): متولد همدان و فرزند حکیم عزیز بود. پزشکی را زیر نظر دکتر فانک در بیمارستان آمریکایی همدان آموخت و در دانشگاه آمریکایی بیروت دوره انترنی را سپری کرد. سپس مطب خود را در درب حکیمخانه دایر کرد. در سال ۱۲۹۴ ش به پاس تلاش‌های وی از طرف احمد شاه قاجار لقب «ظهیرالحکما» به وی اعطا شد. وی در سال ۱۳۱۸ ش در درگذشت و در گورستان کلیمیان همدان که امروزه تبدیل به پارک شده است مدفون گردید. نوّه ایشان دکتر بابک ظهیر (زاده ۱۳۴۲ تهران)، دندانپزشک و هم‌اکنون در تهران مشغول به طبابت می‌باشد (۴۰).

۵-۳-۵-۵. دکتر خداداد بنی‌شاهی: وی متولد یزد بود و در کودکی به همدان مهاجرت کرد. به تشویق دایی خود که از

کلیمیان این شهر بود. پس از تحصیل در آلیانس، در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران به تحصیل در رشته پزشکی پرداخت و پس از آن موفق به اخذ تخصص در رشته گوش و حلق و بینی شد. وی سال‌ها در مطب خود واقع در میدان بهارستان به انجام امور درمانی مبادرت داشت و مدتی نیز در بیمارستان دکتر سپهر تهران مشغول به فعالیت بود. وی در سال ۱۳۶۳ش دیده از جهان فروبست و در بهشتیه خاوران تهران مدفون گردید (۴۶).

۱۳-۵-۳-۵. دکتر موسی مهدیان (۱۲۹۶-۱۳۸۲): در همدان دیده به جهان گشود و پس از تحصیل در آلیانس، در سال ۱۳۲۳ش در دانشگاه تهران از رساله دکتری خود با عنوان (سرایت تیفوس و جلوگیری از آن به وسیله واکسن) دفاع نمود و دوره تخصص را در همین دانشگاه سپری کرد. وی سپس عازم فرانسه شد و در سال ۱۳۳۹ش به دریافت درجه فوق تخصص در رشته اعصاب و روان کودک از فاکولته پزشکی پاریس نائل آمد. وی به عنوان اولین و تنها متخصص اعصاب همدان، سال‌ها ریاست بیمارستان روانی این شهر را بر عهده داشت و در سال ۱۳۸۲ در لس‌آنجلس دیده از جهان فروبست (۴۷).

۱۴-۵-۳-۵. دکتر منصور نورانی (۱۳۰۴-۱۳۹۶): در سنجق متولد شد و پس از مهاجرت به همدان دیپلم خود را از دبیرستان پهلوی اخذ نمود. پس از تحصیل در دانشگاه تهران، از اوائل دهه ۳۰ش مطب خود را در خیابان عباس‌آباد سابق (شریعتی فعلی) در همدان دایر کرد. در اواسط دهه ۴۰ش تخصص خود را در رشته بیماری‌های داخلی از انگلستان گرفت و به عنوان پزشک شهربانی و پزشک قانونی سال‌ها در همدان به فعالیت پرداخت. وی با وقوع انقلاب اسلامی به آمریکا مهاجرت نمود و در سال ۱۳۹۶ش درگذشت (۴۸).

۱۵-۵-۳-۵. پروفسور ساموئل رهبر (۱۳۰۸-۱۳۹۱): متولد همدان بود و تحصیلات خود را در مدارس آلیانس و پهلوی همدان به پایان رساند. در سال ۱۳۳۲ش دوره عمومی پزشکی و در سال ۱۳۴۲ش موفق به اخذ دکتری تخصصی در رشته

۹-۵-۳-۵. دکتر عطاءالله جاودان (۱۲۸۳): فرزند حکیم سلیمان و متولد همدان بود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس آمریکایی و آلیانس همدان و کالج تهران گذراند. وی از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۶ش به سمت دبیری مدارس مشغول بود و در این سال با هزینه خود برای ادامه تحصیل به اروپا مسافرت و در مدرسه عالی دندانسازی فرانسه به اخذ دانشنامه جراحی دندانسازی و نشان علمی درجه اول موفق و مفتخر شد. (۴۳) به گفته دکتر کیوانی وی پس از وقوع انقلاب اسلامی در یکی از کشورهای آمریکای جنوبی وفات نمود (۳۰).

۱۰-۵-۳-۵. دکتر مهدی طیبی (۱۲۹۰-۱۳۴۸): فرزند یعقوب و متولد همدان بود. پس از تحصیل در آلیانس، در تهران داروسازی تجربی آموخت و اجازه‌نامه داروسازی دریافت نمود. از سال ۱۳۱۳ش تا سال ۱۳۳۷ش در همدان داروخانه دایر نمود. سپس در یک شرکت واردات دارویی در تهران مشغول به کار شد. وی سرانجام در ۲۲ آبان ۱۳۴۸ ه. ش فوت کرد و در بهشتیه خاوران تهران به خاک سپرده شد. فرزند وی پروفسور کامران طیبی (زاده ۱۳۲۲ همدان) هماتولوژیست می‌باشد که اکنون ریاست بخش خون و سرطان اطفال را در بیمارستان اطفال شهر تامپای فلوریدا را بر عهده دارد و استاد تمام دانشگاه جنوب فلوریدا نیز می‌باشد. وی همچنین مخترع نوعی واکسن برای پیشگیری از سرطان خون در اطفال و از محققین برجسته در این زمینه است (۴۴).

۱۱-۵-۳-۵. دکتر عزیز سینائی (۱۲۹۶-۱۳۶۳): در همدان متولد شد. پدرش دکتر مراد سینائی از اطباء مشهور و رئیس انجمن کلیمیان همدان (حبراء) بود. وی پس از تحصیل در آلیانس در سال ۱۳۲۳ش از دانشگاه دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و تا سال ۱۳۳۷ در درب حکیمخانه همدان به طبابت پرداخت. وی سپس به تهران رفته و در سال ۱۳۵۹ به آمریکا مهاجرت نمود و در سال ۱۳۶۵ش در آنجا دیده از جهان فروبست (۴۵).

۱۲-۵-۳-۵. دکتر عزیز فاریاب (۱۲۹۶-۱۳۶۳): در همدان متولد شد و پدرش ملا یحزقل از روحانیون به نام جامعه

رئیس انجمن کلیمیان همدان (حبراء) بود و پدرش لاله‌زار به طبابت و داروسازی اشتغال داشت. تحصیلات خود را در همدان و تهران به پایان رسانید. در سال ۱۳۳۸ش رهسپار فرانسه شد و در «دانشکده پزشکی بوردو» مشغول به تحصیل گردید. در سال ۱۳۵۲ش به وطن بازگشت و به دندانپزشکی پرداخت. از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵ش با اخذ ۹۷/۹ درصد آراء نماینده اقلیت کلیمیان در مجلس بود. وی در سال ۱۳۸۵ش به جهت ابتلا به بیماری ریوی و قلبی جهت مداوا رهسپار آمریکا شد و تا کنون در این کشور ساکن است (۳۰).

۱۹-۵-۳-۵. دکتر پرویز امینی (۱۳۲۰): در همدان به دنیا آمد. در آلیانس تحصیل نمود و در سال ۱۳۴۶ش از دانشگاه تبریز در رشته پزشکی فارغ‌التحصیل شد. وی تا سال ۱۳۵۹ش در در مطب خود در خیابان سیروس (تختی فعلی) به طبابت پرداخت و سپس برای گرفتن تخصص به آمریکا مهاجرت نمود. وی تخصص خود را در رشته بیماری‌های داخلی از دانشگاه لوییز کتر فیلادلفیا آمریکا دریافت نمود. و همچنین دوره‌های تکمیلی پزشکی را در مرکز پزشکی لس آنجلس کانتی گذراند. وی هم‌اکنون در مراکز پزشکی نورتریج و وست هیلز در کالیفرنیا مشغول به کار بوده و دارای گواهینامه و مجوز پزشکی از کشور کانادا نیز می‌باشد. دکتر امینی همچنین به زبان‌های عبری، فارسی، انگلیسی و ترکی نیز تسلط کامل دارد (۵۱).

۲۰-۵-۳-۵. دکتر شائول فامینی (۱۳۲۵): در همدان متولد شد. پدر بزرگ وی سال‌ها پیش در شهر فامنین (از شهرهای همدان) مغازه داشت به همین دلیل نام خانوادگی فامینی را برای خود برگزید. وی در مدارس آلیانس و پهلوی (امام فعلی) تحصیل نمود و در سال ۱۳۵۲ش موفق به اخذ دکتری پزشکی از دانشگاه تبریز شد. در دوران سربازی به عنوان پزشک ژاندارمری مشغول خدمت شد. در این دوران به عنوان پزشک کشیک با بیمارستان پهلوی نیز همکاری داشت و در مطبش در خیابان عباس آباد به طبابت مشغول بود. دکتر فامینی در سال ۱۳۵۷ش از دانشگاه تهران موفق به اخذ تخصص در رشته

ایمنی‌شناسی از همین دانشگاه شد. مهمترین دستاوردهای تحقیقاتی وی هموگلوبین گلیکوزیله بود که در سال ۱۳۴۶ش انجام داد و همین امر باعث کسب شهرت فراوان برای وی و پرآوازه شدن نام ایران در جهان شد. او به اتفاق خانواده‌اش در سال ۱۳۵۸ش رهسپار آمریکا شد و بلافاصله در بخش هماتولوژی و پیوند استخوان شهر هوپ در ایالات کالیفرنیا به عنوان همکار پژوهشی مشغول به فعالیت شد و مدیریت آزمایشگاه پژوهشی هموگلوبین بر عهده وی نهاده شد. وی در آبان ۱۳۹۱ش در غربت چشم از جهان فرو بست (۴۹).

۱۶-۵-۳-۵. پروفیسور ایرج لاله‌زاری (۱۳۰۸-۱۳۹۸): در همدان متولد شد پدر بزرگ مادری وی دکتر دانیال خان صدیق ارشادی (صدیق‌الحکما) بود. پس از تحصیل در مدارس آلیانس و پهلوی همدان وارد دانشگاه تهران شد و مدرک داروسازی خود را دریافت نمود. سپس عازم فرانسه شد و در رشته شیمی ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۳۲ش موفق به دریافت دکتری در این رشته شد. وی در فرانسه به دلیل مطالعه و پژوهش‌های گوناگون مفتخر به دریافت مدال لاوازیه گردید وی همچنین از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۸ش ریاست دانشکده داروسازی دانشگاه تهران را بر عهده داشت. پروفیسور لاله‌زاری در سال ۱۳۹۸ش در کلورادوی آمریکا دیده از جهان فرو بست (۵۰).

۱۷-۵-۳-۵. دکتر منصور یونانی (۱۳۱۳): منصور (یعقوب) یونانی در همدان متولد شد. در مدارس آلیانس و پهلوی تحصیل نمود. وی در سال ۱۳۳۶ش در دانشگاه پزشکی اصفهان به تحصیل پرداخت. در دوران تحصیل برای تأمین مخارج خود، به گروه تئاتر سپاهان پیوست. وی سپس به استخدام وزارت بهداشت درآمد و مطب خود را در خیابان باباطاهر گشود. از سال ۱۳۵۲ش تا ۱۳۵۳ش نیز مدیریت درمانگاه موقه بهاء‌الملک اعتمادیه همدان را بر عهده داشت. وی تا سال ۱۳۵۸ش در همدان مشغول به کار بود. سپس به تهران رفته و در سال ۱۳۶۴ش به آمریکا مهاجرت نمود (۳۶).

۱۸-۵-۳-۵. دکتر کورس کیوانی (۱۳۱۷): در همدان به دنیا آمد. پدر بزرگ مادری وی دکتر مراد سینایی از اطباء و نیز

اشتغال داشته‌اند و امروز در مراکز پزشکی خارج از کشور مشغول به کار می‌باشند (۵۳).

داروخانه‌های: طیبی (دکتر مهدی طیبی)، اتحادیه (حبیب اتحادیه)، کیوان (لاله‌زار و نجات‌الله کیوانی)، جاودان (خلیل و حق‌نظر جاودان)، حقیقت (ابراهیم محبوبیان)، ناصری (دکتر منصور و خداداد ناصری)، اطمینان (دکتر یوسف اطمینان)، اخوان (دکتر اسحاق اخوان) و شفا (خداداد شفائی)، پیمان (دکتر سلیمان امینی برادر دکتر پرویز امینی) نیز در همدان تحت مدیریت یهودیان اداره می‌شده است. البته حبیب اتحادیه و برادران جاودان از یهودیانی بودند که بعداً به بهائیت گرویدند (۱۷).

۶. نتیجه گیری

برایند این تحقیق بیانگر آن بود که یهودیان نقش مهمی را از دیرباز در همدان ایفا نموده‌اند و از قدیم‌ترین ازمینه عمدتاً به این حرفه اشتغال داشته‌اند و نسل در نسل این دانش را ابتدا به صورت پزشکی گیاهی و سنتی و سپس به صورت آکادمیک به نسل‌های پسین خود منتقل نموده‌اند و منشاء خدمات بهداشتی درمانی زیادی در همدان بوده‌اند. این پژوهش از یک سو تأثیر یهودیان را در توسعه طب و طبابت همدان از مشروطه تا پایان دوران پهلوی در همدان مورد بررسی قرار داده و از دیگر سو به دلایل اقبال آنان به پیشه پزشکی پرداخت. بر پایه اطلاعات به دست آمده مشخص گردید مدرسه آلیانس در تربیت پزشکان یهودی همدان نقش حائز اهمیتی داشته است، چرا که عمده پزشکان یهودی همدان دانش‌آموختگان این مدرسه بوده‌اند. همچنین به همت صاحبان و بنیان آلیانس بود که نخستین نهاد درمانی به سبک مدرن در کنار این مدرسه در همدان احداث گردید که در تاریخ پزشکی این دیار بسیار با اهمیت می‌باشد. در این درمانگاه برای درمان دانش‌آموزانی که ممکن بود در طول روز در مدرسه دچار بیماری شوند، امکانات محدودی مانند مداوای سرپایی و ... تعبیه شده بود که در پیشگیری از برخی

بیماری‌های اطفال شد و تا سال ۱۳۷۷ش که به آمریکا مهاجرت کرد؛ در تهران مشغول به طبابت بود (۵۲).

۲۱-۵-۳-۵. دکتر جمشید آصف (۱۳۲۶): در محله قاشق تراشان همدان متولد شد. پدر بزرگ مادری به نام حکیم یهودا^۱ نیز به طبابت اشتغال داشته است. وی تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در مدارس آلیانس و پهلوی سپری نمود. در سال ۱۳۵۲ش از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل گردید. وی چهار سال در پایگاه شاهرخی (شهید نوژه) به دندانپزشکی مشغول بود و مدتی نیز در همدان و در مطب خود در خیابان بوعلی طبابت نمود. وی سپس به تهران رفته و اوائل دهه ۶۰ ش به آمریکا مهاجرت نمود. پدر بزرگ وی دلیل (۵۳).

از دیگر پزشکانی که در دوره‌های مختلف (از اواخر قاجار تا پایان دوره پهلوی) در همدان طبابت می‌نموده‌اند می‌توان به: حکیم آقاجان، دکتر باباخان ساعدالحکما، دکتر یعقوب‌خان ناصرالحکما، دکتر سینا خاوری، دکتر کهن، دکتر اسرائیل بصیر، دکتر سلیمان عیوض، دکتر هیم حبیب، دکتر عیسی رفیع، دکتر داوود رفیع، دکتر فرج‌الله‌خان ارفع، دکتر عنایت‌الله حافظی، دکتر ابراهیم اخوت، دکتر موسی کرمانی و ... اشاره نمود.

دکتر مهوش شایان (دندانپزشک، ساکن آمریکا)، دکتر مهرداد ساچمه‌چی (متخصص غدد، استاد دانشگاه نیویورک)، دکتر ناصر محبوبیان (متخصص زنان، ساکن آمریکا)، دکتر منوچهر اعتصامی اعظم (دندانپزشک، ساکن آلمان)، دکتر عزت‌الله خدابخشیان (متخصص زنان، ساکن فرانسه)، دکتر ایرج ابرامی (دندانپزشک، ساکن آمریکا)، دکتر منصور یعقوب‌زاده (متخصص ارتودنسی، ساکن آمریکا)، دکتر تورج سلیمانی (متخصص قلب، ساکن آمریکا)، دکتر سلیمان مکابی (دندانپزشک، ساکن آمریکا)، دکتر سیمون شبانی (جراح عمومی، ساکن آمریکا) از دیگر پزشکان یهودی اهل همدان هستند که در اواخر دوره پهلوی در ایران به تحصیل طب

۱. وی به دلیل طبابت در اسدآباد (از شهرستان‌های همدان) به یهودای سعدوایی (در زبان محلی به اسدآباد؛ سعدوا گفته می‌شود) شهرت داشت.

برآمده‌اند تا بتوانند در کنار دیگر پیروان ادیان به خصوص مسلمانان با مسالمت زندگی کنند و از هرگونه گزند مصون بمانند.

فراگیری شیوه‌های نوین درمان بیماری‌ها در سفر به خارج از کشور و تحصیل در مراکز معتبر آموزش پزشکی در دیگر کشورها از نکات حائز اهمیت است که در مورد پزشکان یهودی همدان نباید به سادگی از آن چشم پوشی نمود. چرا که ثمره این ارتباطات و تعاملات با این مراکز پزشکی، توسعه و حرکت رو به جلوی طب و طبابت همدان را به دنبال داشته است و از آن گذشته نام همدان را نه تنها در کشور بلکه در عرصه بین‌المللی بلندآوازه نموده است. در اواخر دوره پهلوی برخی دانشمندان یهودی همدانی به آنچنان جایگاه رفیعی در علم پزشکی دست یافتند که برای تدریس در بزرگترین و معتبرترین مراکز پزشکی در دنیا از آنان دعوت به عمل می‌آمده است. برخی نیز در کشف داروها و راه درمان بیماری‌ها تلاش‌های مجدانه‌ای را به خرج داده‌اند که پرفسور ساموئل رهبر و پروفیسور کامران طّبی در این زمره‌اند.

محتوای این بررسی همچنین نشان می‌دهد که شهر همدان از گذشته‌های دور محلی برای تحصیل علم طب در ایران بوده است و وجود «مدرسه ربانی یشوه» که در آن آموزش طب انجام می‌گرفته، شاهدی بر این مدعاست. یهودیان به دلیل محدودیت‌های اجتماعی که در طول تاریخ در حکومت‌ها و جوامع مختلف احساس کرده بودند، سعی در تثبیت جایگاه خود و کسب اعتماد در جامعه آنان داشتند و همچنین بر اساس سفارشات و آموزه‌های تورات مبنی بر اهمیت سلامت جسم آدمی، با انتخاب حرفه پزشکی می‌توانستند به این اهداف جامه عمل بپوشانند. آنان همچنین با استفاده از علم پزشکی می‌توانستند به سرای حکمرانان و دولتمردان وارد شوند و در صورت نیاز شفاعت و وساطت هم‌کیشان خود را بنمایند. پس از سقوط سلطنت قاجاریه و ظهور دودمان پهلوی بود که یهودیان همراه با دیگر اقلیت‌های دینی توانستند امکانات اجتماعی و اقتصادی و آزادی بیشتری را به دست

بیماری‌ها و تسریع در روند بهبود بیماران قابل توجه بوده است. مدرسه آلیانس با پرورش شاگردان بسیار در علوم مختلف از جمله پزشکی و تلاش در جهت درمان بیماران در این مرکز درمانی نقش بسزایی داشته است. تحقیقات به عمل آمده نشان داد اطباء یهودی همدان تا پیش از تأسیس مریضخانه آمریکایی در همدان عمدتاً به صورت سنتی و بر اساس کتب ابن سینا طبابت می‌نموده‌اند و محل استقرار آنها یعنی درب حکیمخانه بوده است که به دلیل وجود پزشکان مختلف، از شهرت قابل توجهی برخوردار بوده است و در آن جراحی‌های کوچک نیز انجام می‌گرفته است.

با تأسیس مریضخانه آمریکایی توسط میسیونرها در همدان، علاقه به فراگیری دانش پزشکی بسیاری از آنان را به این مرکز آموزشی و درمانی کشاند و تعداد زیادی از یهودیان زیر نظر پزشکان این بیمارستان دانش پزشکی را به صورت تجربی فرا گرفتند که از این بین می‌توان به دکتر ظهیرالحکما و دکتر بدیع‌الحکما اشاره نمود. اینان خود بعدها تعلیم‌دهنده دانش پزشکی به نسل‌های بعد شدند و آموخته‌ها و اندوخته‌های خود را با بروز کردن این دانش و همگام‌سازی آن با نیازهای روز جامعه به دیگر علاقمندان این حرفه انتقال دادند و موجب پیشرفت پزشکی و افزایش پزشکان در همدان شدند؛ به گونه‌ای که یکی از شروط وزارت معارف وقت جهت اعطای پروانه طبابت به افراد، کارآموزی تحت نظر یکی از این اطبا و کسب تأییدیه از آنان بوده است.

تا پیش از تأسیس دانشگاه‌های پزشکی در ایران، بیروت و اورشلیم عمده‌ترین مراکزی بود که یهودیان همدان برای فراگیری علوم پزشکی به آنجا رهسپار می‌شده‌اند و با به روز کردن دانش پزشکی خود بر اساس متدهای روز دنیا در آن روزگار، می‌کوشیده‌اند تا در جهت بهبود اوضاع بهداشتی و درمانی شهر خود گام بردارند. از این منظر اطباء یهود را می‌توان به عنوان حلقه اتصال طب سنتی با پزشکی نوین دانست. آنان تأثیر فراوانی در پایه‌گذار پزشکی نوین در همدان بوده‌اند و در صدد رفع نیازهای بهداشتی و درمانی آن دوران

بیاورند و به تحصیل دانش پزشکی در دانشگاه‌ها بپردازند به طوری که تا پایان حکومت پهلوی تعداد قابل توجهی از پزشکان همدان را یهودیان تشکیل می‌دادند که فرزندان طبیبان و حکیمان پیش از خود و ادامه دهنده راه آنان بوده‌اند. در زمانی که دیگر استفاده از روش‌های سنتی و گیاهی طب و درمان پاسخگوی نیازهای درمانی شهروندان همدانی نبود و بسیاری از بیماری‌های واگیر در این دوران بسیاری از انسان‌ها را به کام مرگ فرو می‌برد؛ این پزشکان یهودی در همدان بودند که به تحصیلات آکادمیک در این رشته پرداختند و در این حرفه به تبحر دست یافتند. نخستین مطب‌ها به شیوه مدرن توسط آنان در همدان دایر گردید و آنان در کنار پزشکان مسلمان ایفاگر نقش مهمی در تاریخ پزشکی معاصر این دیار بوده‌اند.

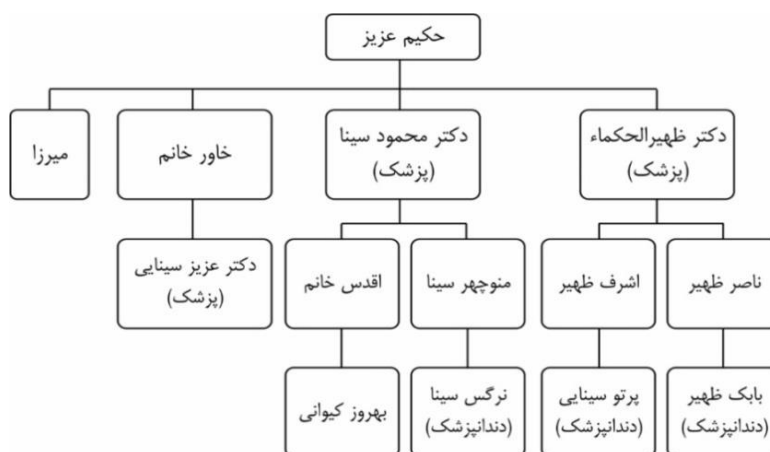
اقبال یهودیان همدان به طبابت، گذشته از سابقه طولانی این حرفه در میان این جماعت جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی را هم دربر داشته است. بدین صورت که آنان از حرفه پزشکی از یک سو جهت امرار معاش و راهی برای گذران زندگی و از دیگر سو ارتقای جایگاه اجتماعی بهره برده‌اند.

۷. نمودارها و تصاویر

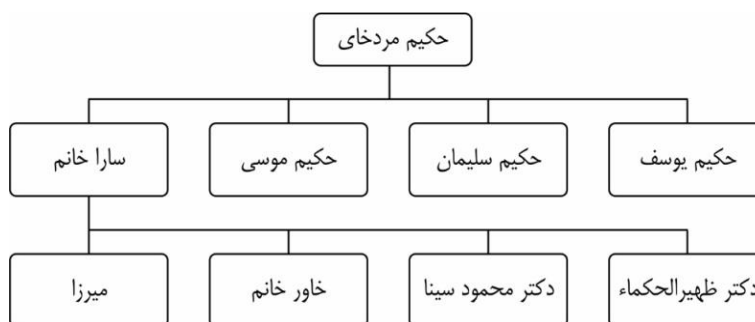
در تنظیم شجره‌نامه که به یاری دکتر کوروس کیوانی و پسرعموی ایشان بهروز کیوانی و دکتر جمشید شفائی صورت گرفته صرفاً نام افرادی از خانواده حکیمان آورده شده که در رشته‌های مختلف طب اعم از پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی اشتغال داشته و دارند و به دلیل طولانی شدن شجره‌نامه و عدم ارتباط با این پژوهش از آوردن نام دیگر افراد این خانواده خودداری به عمل آمده است.

۸. تضاد منافع

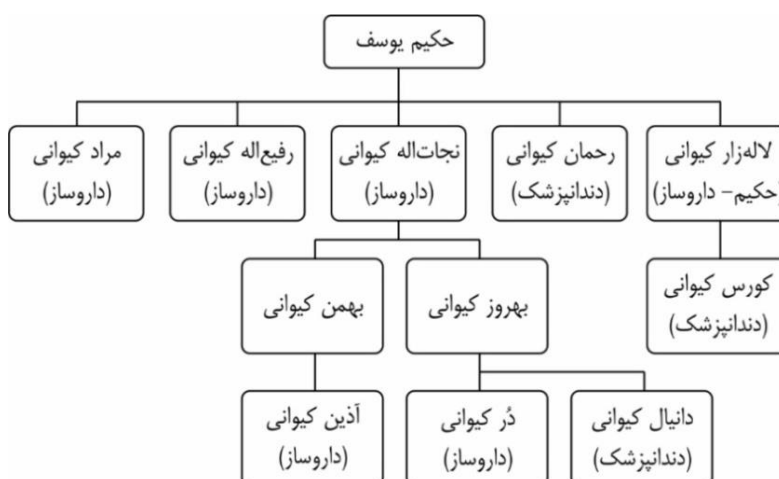
در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی برای نویسندگان وجود ندارد.



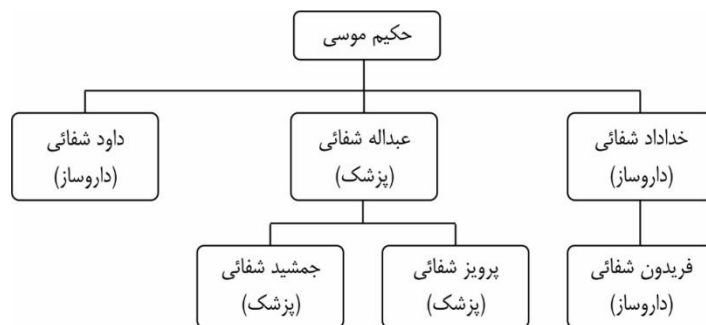
نمودار ۱. شجره‌نامه خانوادگی حکیم عزیز



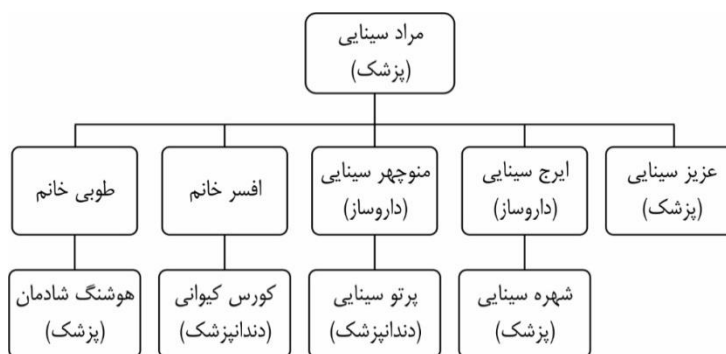
نمودار ۲. شجره‌نامه خانوادگی حکیم مردخای



نمودار ۳. شجره‌نامه خانوادگی حکیم یوسف



نمودار ۴. شجره‌نامه خانوادگی حکیم موسی



نمودار ۵. شجره‌نامه خانوادگی دکتر مراد سینایی



تصویر ۱. خانواده حکیم عزیز/ از چپ به راست: دکتر محمود سینا، دکتر ظهیرالحکما، حکیم عزیز و دیگر فرزندان وی (۵۴)



تصویر ۲. انجمن کلیمیان همدان معروف به (حبراء) در سال ۱۲۹۶ ه.ش

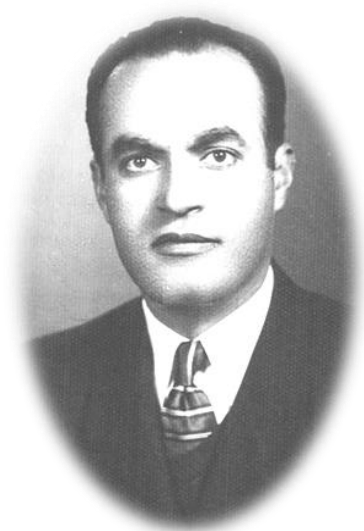
نشسته از راست: حاجی حیم حاجی العازار، یعقوب مئیر (پدربزرگ دکتر لاله‌زاری)، آقاچی مهدیان (پدربزرگ دکتر آقائی) دکتر اسرائیل بصیر، مسیو منجم لوی، موسیو مورل (رئیس مدرسه آلیانس)، دکتر ابراهیم ظهیر (ظهیرالحکما)، دکتر مراد سینائی (پدر دکتر عزیز سینائی)، موسی لوی، حاجی اسحاق لاله‌زاراف، لاله‌زار کیوانی (پدر دکتر کورس کیوانی)

ردیف دوم ایستاده از راست: سلیمان کتیرائی، ناشناس، الیاهو دانیال‌پور، الیاهو (پسر حاجی اسحاق لاله‌زاری)، حاجی حای یرشلمی (عموی دکتر آقائی)، حاجی یوسف یزدی، ناشناس، یحیی عمید، حاجی الیاهو ناتان، هارون یشورون، دکتر باباخان ساعد (ساعداالحکما)

ردیف سوم ایستاده: یحیی ناتان الی، ابراهیم بستانی (دایی دکتر آقائی)، آقاجان فرزند ملا منجم (۵۵).



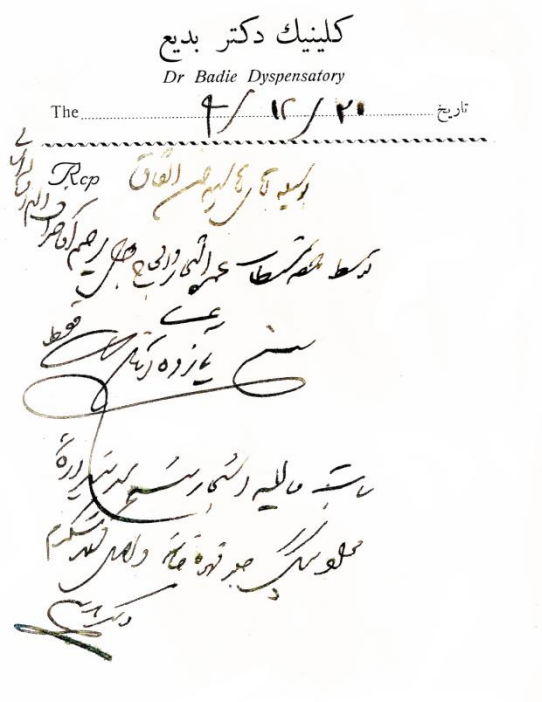
تصویر ۵. دکتر کورس کیوانی (۵۶)



تصویر ۴. دکتر عزیز سینائی (۵۶)



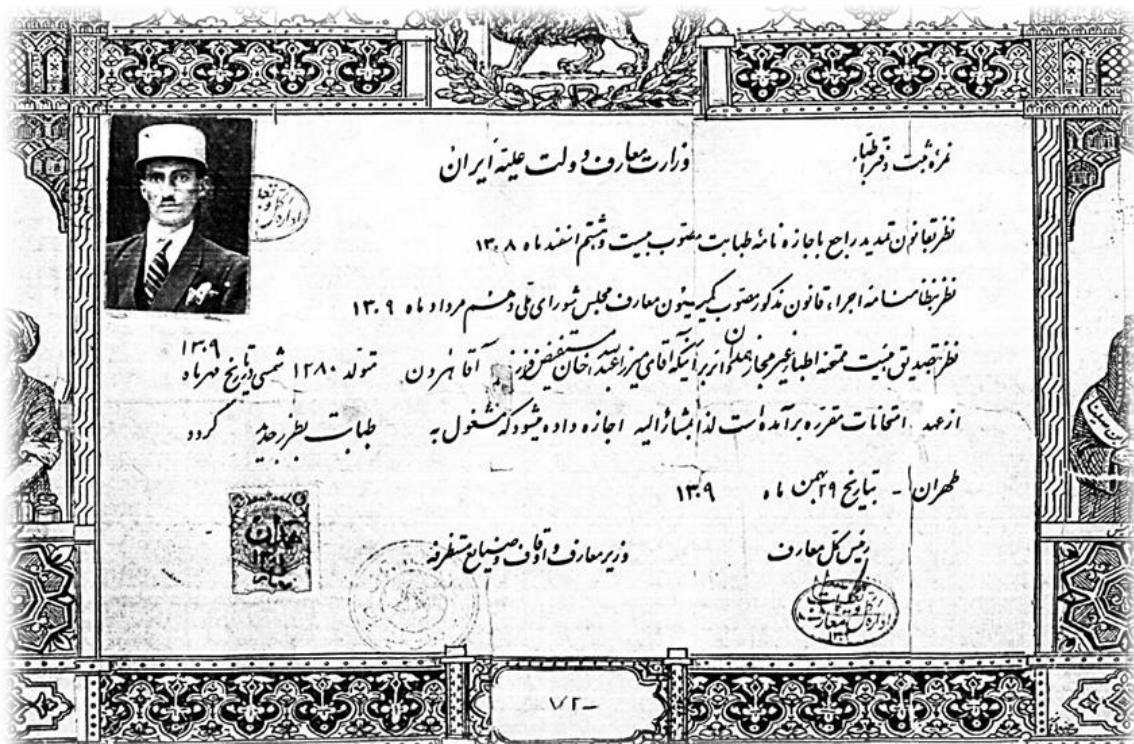
تصویر ۳. دکتر محمود سینا (۵۶)



تصویر ۶. دکتر مهدی خان بدیع‌الحکمای همدانی به همراه نمونه نسخه وی (۵۷).



تصویر ۷. دکتر ابراهیم خان ظهیرالحکمای همدانی و حکم اعطای لقب توسط احمدشاه قاجار به سال ۱۳۳۴ ه.ق (۵۸).



تصویر ۸. یک نمونه اجازه‌نامه طبابت متعلق به دکتر عبدالله مستفیض در سال ۱۳۰۹ ه.ش (۵۹).



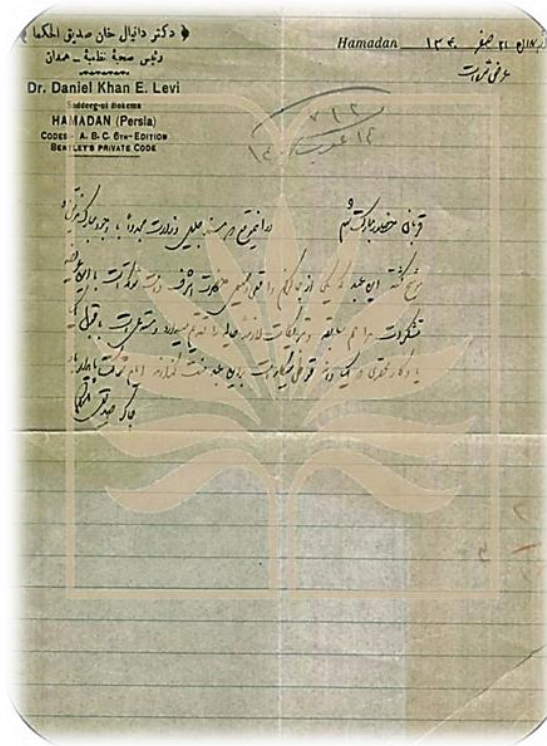
تصویر ۱۱. دکتر جمشید آصف (۶۱)



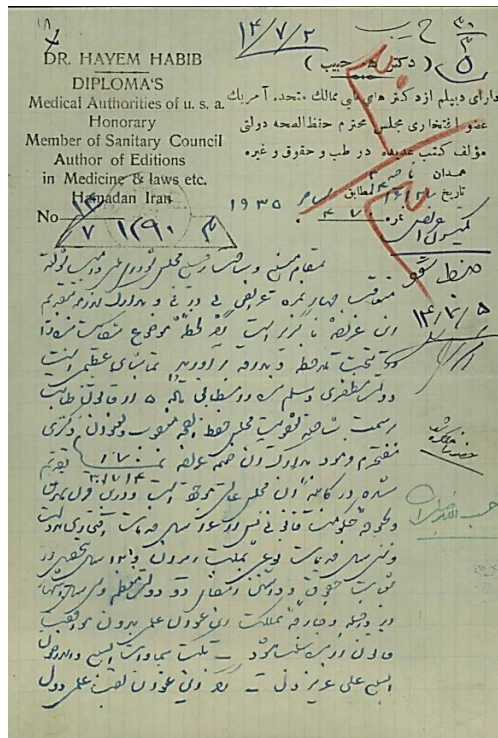
تصویر ۱۰. دکتر موسی مهدیان (۶۰)



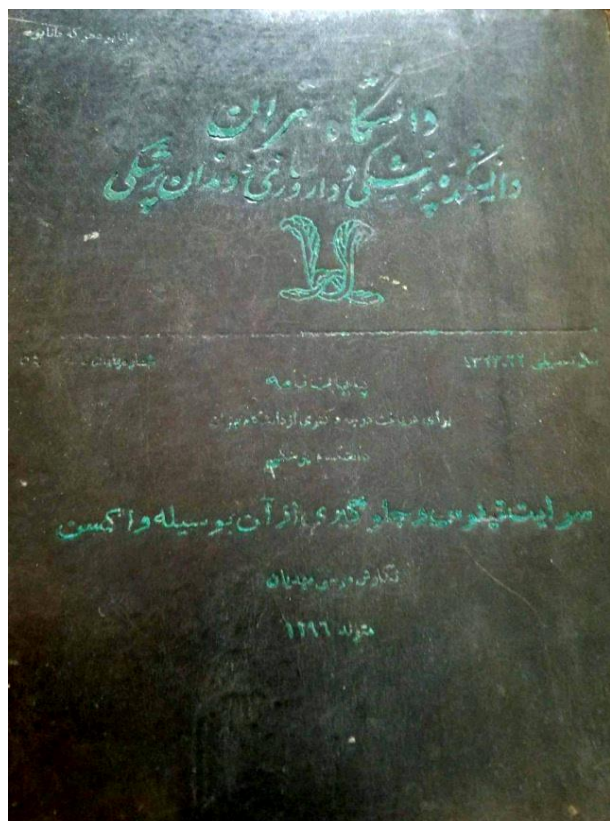
تصویر ۹. دکتر بنی‌شاهی (۵۶)



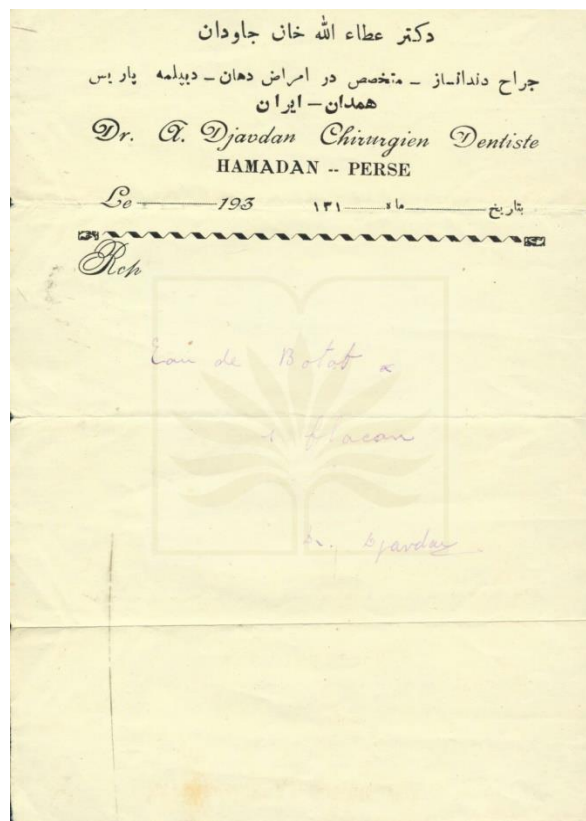
تصویر ۱۲: نامه تبریک دکتر دانیال خان صدیق الحکما رئیس صحنه نظیبه همدان به دکتر امیرخان امیراعلم جهت تصدی منصب وزارت ۱۳۴۰ ق (۵۶)



تصویر ۱۳: نسخه و دستخط دکتر هیتم حبیب (۶۲)



تصویر ۱۵: پایان نامه دکتر موسی مهدیان در سال تحصیلی ۱۳۲۲-۱۳۲۳ (۶۰)



تصویر ۱۴: نسخه دکتر عطاء الله خان جاودان (۵۶)



تصویر ۱۶: مدرسه آلیانس همدان ۱۳۲۵ ه.ش (۶۳)

References

1. Gharagozloo GH. *Hegmatane to Hamedan*. Tehran: Eghbal Publication; 2006. p. 430-431. [Persian]
2. Levy H. *Iranian Jewish History*. Tehran: Brokhim Bookstore Publication; 1960. Vol.3 p. 640, 743, 809, 868. [Persian]
3. Azkaei P. *Hamedan Letter; Twenty Speeches About Madistan*. Hamedan: Madistan Publication; 2001. p. 56, 298. [Persian]
4. Gabbay Y. *Iran's Jewish monuments and Esther's tomb renovation plan*. In: Sarshar H. *Terua; the Histori of Contemporary Iranian Jewish*. California: Center for Iranian Jewish Oral History Publication; 1996. Vol.1 p. 42. [Persian]
5. Naghzooye Kohan M. *A look at Hamedan Jewish culture and language*. *People's culture Summer 2008*; 7(26): 138-145. [Persian]
6. Houman Sarshar, "HAMADĀN viii. JEWISH COMMUNITY," *Encyclopædia Iranica*, XI/6, pp. 615-623, available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/Hamedan-viii> (accessed on December 30 2012)
7. Curzon G.N. *Iran and the Iranian case*. Translated by Vahidmazani GH. 4th edition, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company Publication; 1994. Vol.1 p.719. [Persian]
8. Asef B. *Hamedan Jewish*. *Ofoghe Bina 2001*;3(15). Available from: <http://www.iranjewish.com/Essay/Essay41.htm>. [Persian]
9. Sharafisafa H. *studying activities and social status of hamedan in the qajar period*. *New History Autumn 2016*; 6(16): 1-17. [Persian]
10. Feizi A. *Spiritual Hakims of Hamedan*. Tehran: Sina Legal Institute Publication; 2009. p. 23. [Persian]
11. Heydari M, Bashirian S, Rafei M, Sade School; *History of Medicine and Medicine in Hamedan*. Hamedan: Hamedan University of Medical Sciences Publication; 2016. p. 68, 108, 118, 128. [Persian]
12. Yont L. *History of Medicine in Iran*. Translated by Yasaee R. Tehran: Ghoghnoos Publication; 2007. p. 630, 779. [Persian]
13. Elder J. *History of the Iran Mission*. Translated by Azari S. Tehran: Noor Jahan Publication; 1954. p. 50. [Persian]
14. *The law of medicine Research Center of the Islamic Consultative Assembly*. Available from: <http://www.rc.majlis.ir/fa/law/show/90145>. (updated april 4, 2020). [Persian]
15. Roustaei M. *History of Medicine in Iran; Qajars Era to Towards the end of Pahlavi Dynasty's*. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran Publication; 2003. Vol.2 p. 291-297, 333-334, 561. [Persian]
16. Heydari M, Karami R, Alisoufi A. *Historical Review of Medical Conditions and Dotors in Hamedan Province; During the Second Pahlavi Period 1941-1979*. Hamedan: Hamedan University of Medical Sciences Publication; 2019. p. 72, 167, 230, 291, 297. [Persian]
17. Aubin E. *Iran Today*. Translated by Saeedi A. Tehran: Zavvar Publication; 1983. p. 39. [Persian]
18. Tudor Parfitt, "David D'Beth Hillel", in: *Encyclopedia of Jews in the Islamic World*, Executive Editor Norman A. Stillman. Consulted online on March 31 2020 First published online: 2010. Available from: <https://referenceworks.brillonline.com/entries/encyclopedia-of-jews-in-the-islamic-world/david-dbeth-hillel-COM-0006440>.
19. Netzer A. *Hamedan*. (2nded .)(2008). Available from: <https://www.jewishvirtuallibrary.org/Hamedan>.
20. Grothe H. *Grothe Travelogue*. Translated by Jalilvand M. Tehran: Markaz publication; 1990. p. 201. [Persian]
21. Unknown. *How did superstition make it difficult to learn science*. *Islam School Dec 1989*; 29(9): 44. [Persian]
22. Sarshar H. *Children of Esther*. Translated by Nasirie M. Tehran: Karang Publication; 2008. Vol.2 p.141,206-207. [Persian]
23. Wishard J. *Twenty years in Iran*. Translated by Pirnia A. Tehran: Novin Pubication; 1984 p. 251. [Persian]
24. Feyzi A. *Popular medicine of Hamedan*. Editing and rewriting by Behkhial M. *Encyclopedia of Hamedan province*. Tehran: Golden Publication; 2018 p. 23. [Persian]
25. Miri M. *Culture Name of places in Hamedan Until the year 1971*. *Encyclopedia of Hamedan province*. Tehran: Golden Publication; 2018 p. 94, 142. [Persian]
26. Zahir-al-dowleh A. *Memoirs and Documents of Zahir-al-Dowleh*. General Editor by Afshar i. Tehran: Zarrin Publication; 1988. p. 159-302. [Persian]

27. Sharifi Y. *The Suffering of the Dhimmitude in iran*. Los Angeles: Book company Publication; 2009 p. 251-252, 254. [Persian]
28. *The author's oral interview with Dr. Jamshid Shafaei, Son of Dr. Abdullah Shafaei*. 2018. [Persian]
29. Shabani R. *The social history of Iran in the Afshari era*. Tehran; Khooshe Publication; 1986. Vol.1 p. 151. [Persian]
30. *Oral interview with Dr. Kouros Keyvani, son of Lalezar Keyvani*. 2018. [Persian]
31. Azkaei P. *Iranian historians*. Tehran: Endowment Foundation Dr. Mahmoud Afshar Publication; 1994. Vol.1 p. 73-317. [Persian]
32. Sanai A. *Jewish physicians*. Website of Tehran Jewish Committee. Available from: <http://www.iranjewish.com/essay/Essay60.htm>. (Edition april 21, 1999). [Persian]
33. Unknown. *The situation of Armenians and Jewish during the Qajar period*. Iran Letter Winter 2000-Spring 2001; 19 (73-74): 219-222. [Persian]
- 34-Encyclopedia Judaica: *Medicine*: <http://www.jewishvirtuallibrary.org/medicine> (2008).
35. Pirnazar N. *Persian-Jewish literature and cultural heritage of Iranian Jewish*. Iranology Spring 2002; 14(1): 123-140. [Persian]
36. *Oral interview of the author with Dr. Mansour(Jacob)Younani*. 2018. [Persian]
37. Abazari A. *The sun's rays; Memoirs of Ayatollah Haj Sheikh Ali Araqchi*. Tehran: Orouj Publication; 2010. Vol.1 p. 65. [Persian]
38. *Oral interview of the author with Behrouz Keyvani, grandson of Dr. Mahmoud Sina*. 2018[Persian]
39. Behkhial M. *Badi's wisdom*. Tehran: Gatre Pablication: 2016. p. 377-383.
40. *The author's oral interview with Dr. Babak Zahir, grandson of Dr. Zahir Al-Hakma*. 2018. [Persian]
41. *The author's oral interview with Dr. Parviz Bani Shahi and Giti Saviss, the grandchildren of Dr.Khodadad Bani Shahi*. 2018. [Persian]
42. *Oral interview with Manouchehr Mostafiz, Son of Dr. Abdullah Mostafiz and Morris Mostafiz, grandson of Dr. Abdullah Mostafiz*. 2018. [Persian]
43. *Pahlavi High School Yearbook(1344-1945)*. p. 107. [Persian]
44. *Oral interview of the author with Professor Cameron Tebbi, Son of Dr. Mehdi Tebbi*. 2018. [Persian]
45. *Oral interview of the author with Bahram Sinaei, son of Dr. Aziz Sinaei*. 2018. [Persian]
46. *Quoted by Dr. Jamshid Asef and Bijan Asef*. 2018. [Persian]
47. *The author's oral interview with Ms. Sherry Hassid Mehdian, the bride of Dr. Musa Mehdian*. 2018. [Persian]
48. *Author's oral interview with Dr. Jamshid Asef, quoting Dr. Mansour Nourani's wife*. 2018. [Persian]
49. Payab N. *Meet the world's Jewish celebrities; Samuel Rahbar*. Ofoghe Bina Summer 2017; 19(45): 60-61. Available from: http://www.iranjewish.com/Essy_45_11_shemoool_rahbar.htm. [Persian]
50. Iraj Lalrzari Available from:http://www.7dorim/cultures/Lalezari_eerag.asp. 2020. [Persian]
51. <http://healthcarapartners.com/doctor/Interal-Medicine/Parviz-Amini/DOBX0N97CS>
52. *Author's oral interview with Dr. Shaul Famenini (Famini)*. 2018. [Persian]
53. *Author's oral interview with Dr. Jamshid Asef*. 2018. [Persian]
54. *Photo of Behrouz Keyvani's personal archive*.
55. *Photo of Shofar October 1994; 13(85): 93* Available from: <https://www.iajf.org/shofar-85.pdf>. [Persian]
56. *Photo from the archives of the National Archives and Library of Iran*.
57. *Photo from Mehdi Behkhial personal archive*.
- 58-*Photo of Dr. Babak Zahir's personal archive, grandson of Dr. Zahir Al-Hokama*.
59. *Photo from the personal archive of Maurice Mostafiz, grandson of Dr. Abdullah Mostafiz*.
60. *Photo of Ms. Sheery Hassid Mehdian personal archive, Dr. Mehdian's bride*.
61. *Photo of Dr. Jamshid Asef's personal archive*.
62. *Photo from the Library and Archive of the Islamic Consultative Assembly*.
63. *Photo from the archive of Manouchehr Mostafiz, son of Dr. Abdullah Mostafiz*.



MHJ

Medical History Journal
2021; 13(46): e6

Journal Homepage: <http://journals.sbmu.ac.ir/en-mh>



REVIEW ARTICLE

Jewish Physicians of Hamedan and Their role in Medical Development in This City (From the late of Qajar to the End of Pahlavi Era)

Reza Karami 

1. M. A Degree in Iran History of the Islamic period, an employee of Hamedan Sanati University, Hamedan, Iran

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 31 October 2020

Accepted: 31 December 2021

Published online: 11 February 2021

Keywords:

Medical History

Jewish Physician

The Jews

Hamedan

Qajar Dynasty

Pahlavi Dynasty

ABSTRACT

Background and Aim: The medical career in Hamedan has been under the control of the Jews from ancient times. They have attained mastery in this science, and together with Muslims, they could play an important role in this city. Given the limitations of religious minorities in Islamic society, it seems that turning Jews to the medical profession has been a way out of the current situation and promoting their position to meet the needs of Islamic society and be a factor in earning money. The present research aims to study the reasons for good Fortunes of Hamedan Jewish to the medical career and their role in medical development in this city from Qajar to the end of the Pahlavi eras. Considering that no independent research has been done in this field so far, the present research can pave the way for researchers in the history of medicine in response to mental unknowns in this field.

Materials and Methods: This research, with historical attitude and with the aid of library resources and oral history, tries to express the reasons of Hamedan Jews referring to a medical career and their role in medical development through the analitic-descriptive methodology. This sectional study includes the late of Qajar pulling to the end of the second Pahlavi dynasty in Hamedan. One of this article's features is citing oral interviews with knowledgeable people in Hamedan.

Findings: The studies show that medical science has been a subject deserving of attention among the Jews, especially Hamedan Jews, so they have been working in a place called the "Door of Hakimkhane" from the early times they have transferred it to the next generations.

Conclusion: The reasons of entering into the medical career require acting to religious doctrine and communicating with Muslim community. The results or research show that Torah's advice based on keeping body health has been useful in choosing a medical career. Due to their coexistence with Muslims and having some restrictions throughout this city's history by choosing the medical profession, they intended to be safe from any harm and improve their social status among Muslims. By establishing Alliance school and clinic next to it, Hamedan Jews have taken a long step in improving their temporary medical career in Hamedan. In fact, they were the mediators for the transition from the traditional method of medicine to modern medicine and the founder of the new method of medicine in Hamedan, because the first academic students in the field of medicine in Hamedan were Jews.

* Corresponding Author: Reza Karami

Postal Address: Hamedan Sanati University, Hamedan, Iran

Email: r.karami6969@gmail.com

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Karami R. Jewish Physicians of Hamedan and Their role in Medical Development in This City (From the late of Qajar to the End of Pahlavi Era). *Medical History Journal* 2021; 13(46): e6.